

توسعه آموزش همه جانبه مبنای توسعه سواحل مکران و نقش آن در اقتدار دریایی ج.ا.ا.

هوشنگ حسن پور^۱

استان سیستان و بلوچستان- شهرستان کنارک- منطقه سوم نیروی دریایی ارتش ج.ا.ا.

چکیده

در گذشته تنها سرمایه ی مادی به عنوان عامل توسعه محسوب می شد، لیکن با مشخص شدن اهمیت نیروی انسانی در توسعه، نوع دیگری از سرمایه، یعنی سرمایه انسانی نیز جزء عوامل اصلی توسعه محسوب گردیده است. در واقع جمع این دو نوع سرمایه است که اهداف توسعه را تحقق می بخشد. نویسنده این مقاله در تبعیت از نظرات صاحب نظران، معتقد است که توسعه هر نقطه از کشور از طریق "سرمایه انسانی"، مستلزم فعالیت های آموزشی است و تنها از این طریق می توان نیروی کار را توانمند ساخت. "امروز دانایی، توانایی است." در این نوشتار ابتدا اهمیت دریا، اقتدار دریایی، توسعه و شاخص های آن تبیین و سپس به نقش آموزش، نهادها و نظام تربیتی و آموزشی مناسب در توسعه سواحل مکران به عنوان پشتیبان و مبدأ شروع اعمال سیادت و اقتدار دریایی پرداخته شده است. مقاله با این رویکرد که "توسعه آموزشی مبنای توسعه همه جانبه" است، نتیجه گیری و در خاتمه راهکارهای مقتضی ارائه گردیده است.

واژه های کلیدی: دریا، اقتدار دریایی، سواحل مکران، توسعه، سرمایه انسانی، دانش، تربیت، آموزش، مهارت آموزی.

۱- مقدمه

بررسی عوامل مؤثر بر پیشرفت و ترقی و توسعه در جوامع پیشرفته نشان می دهد که همه ی این کشور ها از نهادهای تربیتی، آموزشی و حرفه ای توانمند و کارآمد برخوردار هستند. تبلور نهادهای مذکور در تربیت نیروهای انسانی متعهد، دانشمند، متخصص و ماهر است. در دنیای امروز که علم و تکنولوژی با رشد و گسترش وسیع و جهان شمول به عنوان عامل مهم و اساسی در فرایند رشد و توسعه ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع بشری به حساب می آیند، نهادها و نظام های تربیتی و آموزشی و حرفه آموزی نقشی بس عظیم و پراهمیتی را به دست آورده اند. عنایت روزافزون به نوع و گسترش تربیت و آموزش ضرورتی انکار ناپذیر است که ناشی از آهنگ سریع تغییرات در عرصه های مختلف اقتصادی، اجتماعی جوامع می باشد.

ترقی و پیشرفت های علمی و تکنولوژی در دنیای امروز و سرعت تغییرات و دگرگونی در اسلوب و روش های علمی و تکنولوژی بسیار سریع و حیرت انگیز است و غفلت و عدم توجه کافی به تربیت و آموزشهای لازم و مناسب و غفلت از هماهنگی و تطابق سطح کیفی و کمی نیروی انسانی با سطح رشد علمی و فنی از هر جامعه ای نهایتاً تنگناها و مشکلات عدیده ای را فرا راه رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه و کشور ایجاد خواهد نمود که این نقیصه در مناطق جنوب شرقی کشور بالاخص سواحل مکران بیش از سایر نقاط کشور کاملاً مشهود و رهبر معظم انقلاب نیز بارها به اهمیت و ضرورت توجه به ظرفیت های سواحل مکران به صراحت تأکید فرموده اند که چند مورد آن به شرح زیر بیان می گردد: [۱]

"ما در سال های گذشته از سواحل طولانی دریای عمان بهره لازم و کافی را نبرده ایم. ذهن مان همه اش متوجه خلیج فارس بوده، اهمیت دریای عمان از نظر ما مغفول^۲ عنه مانده. این نگاه جدیدی که نگاه به دریای عمان است به وسیله ارتش جمهوری اسلامی، می تواند کارهای بزرگی را انجام دهد؛ این برای منطقه جنوب شرقی کشور یک موهبت الهی است؛ بنابراین دولت و دستگاه های مختلف-چه وزارت دفاع، چه وزارتخانه های دیگر که مرتبط با این کارند- همه باید به پیشرفت این کار کمک کنند." مراسم الحاق ناوشکن جمهوری اسلامی ایران جماران به ناوگان جنوب نداجا (۸۸/۱۱/۳۰)

"سواحل جنوب شرقی کشور که در اختیار نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران است، مناطق بسیار مهمی است و ظرفیت های بسیار خوبی برای پیشرفت است؛ به آن جا ها اهتمام کنید و اهمیت بدهید.(مراسم تحلیف و دانش آموختگی دانشگاه علوم دریایی امام خمینی (ره) ۸۸/۷/۱۴

"آن منطقه ای که شما مستقر هستید یعنی منطقه سواحل دریای عمان منطقه ی بکری است، عمق این سواحل، منطقه وسیع بلوچستان و بخشی از آن منطقه ی غربی تر آن یعنی هرمزگان، مناطق بسیار مهمی است، بسیار حائز اهمیت است. ما هم از اول انقلاب خیلی به این مناطق نپرداخته ایم، وجود شما در آن جا ممکن است این مناطق را زنده کند یعنی حضور نیروی دریایی ارتش ممکن است منتهی بشود به این که انشاء الله ما بتوانیم از توانایی های منطقه استان بزرگ سیستان و بلوچستان و منطقه عظیم و حساس دریای عمان استفاده کنیم. این برای کشور مهم است، این همکاری شما با دستگاه های دولتی می تواند این فواید را داشته باشد. (مراسم دیدار فرماندهان و کارکنان نداجا به مناسبت سالروز نیروی دریایی ۸۹/۹/۷)

نگارنده مقاله در صدد بود که برابر استاندارد یک کار پژوهشی، با آمار و ارقام و به صورت مصور محدودیت‌ها و محرومیت‌ها را - که موجود است- تحلیل و ارائه نماید و لیکن موضوع اینقدر روشن و قابل درک است که قیاس آن با سایر نقاط کشور عمق ماجرای عقب ماندگی این منطقه را علیرغم ظرفیت‌های فراوانی که خداوند متعال موهبت فرموده اند به گونه ای ترسیم می کند که این منطقه چقدر دور افتاده مانده و در یوم الحساب مواخذه شوندگان چه بسیارند و البته تذکر می دهد به کسانی که توفیق و سعادت خدمت در این کشور و بالاخص در این منطقه را پیدا کرده اند و چقدر باید نگران باشند.

از منظری دیگر باید گفت که طرح محرومیت‌ها با آمار و ارقام و مصور برای رفع مشکل کافی نیست و شاید باعث کاهش انگیزه مدیرانی که در چند سال اخیر برای محرومیت زدایی تلاش کرده اند، گردد. مهم این است که چه باید کرد؟ مردم این خطه از نظام چه توقعی دارند؟ نقش خود مردم و خصوصا مسئولان بیش از همه در رفع محرومیت‌ها و توسعه مدنیت چقدر است؟ مردم و مسئولان شعار توام با شعور و عمل "ما می توانیم و خواستن را" چقدر اعتقاد دارند و در این منطقه نشان داده اند؟ چقدر متولیان توسعه این منطقه از کشور از بومیان همین منطقه هستند؟

آنچه روشن است این که ضرورت اهمیت موضوع از بالاترین مقام کشور تا پایین ترین رده مطرح و در قالب سفرهای استانی و منطقه ای نیز برنامه های متعددی مصوب گردیده است که در این راستا طرح های مختلفی از سوی دستگاه های لشکری و کشوری در دستور اجرا قرار گرفته و زیر ساخت ها با سرعت قابل ملاحظه ای در حال تأمین است و البته هنوز در ابتدای راه هستیم و توسعه یک کار دفعی نیست بلکه تدریجی است و لذا همه بایستی با توکل به خدای متعال و جد و جهد و تلاش خستگی ناپذیر و در جهت کسب رضای خداوند عادل دست در دست هم دهیم و به مهر مبین خویش را کنیم آباد.

نکته آخر مقدمه اینکه نگارنده در طول مدت خدمت خود در این منطقه از کشور که خدمتی آموزشی بوده و با مبادی آموزشی و پژوهشی ارتباطی تنگاتنگ داشته تا حدی تنگه ها و مشکلات موجود را از نزدیک لمس و درک کرده است و به همین جهت بر خود وظیفه دانسته تا در مجال کوتاه این مقاله به موضوع بپردازد.

در حد این نوشتار برای روشن شدن اهمیت موضوع ابتدا اهمیت دریا و اقتدار دریایی ج.ا.ا. تبیین و سپس ضمن تشریح توسعه و شاخص های آن، به جایگاه منابع انسانی در توسعه و نقش محوری تربیت و آموزش و اهمیت آن از منظر قرآن، پیشوایان اسلام و انقلاب اسلامی ایران پرداخته شده است و در ادامه به نقش نهادهای آموزشی و همچنین آموزش های موثر و ضروری در توانمند سازی منابع انسانی سواحل مکران و تأثیراتی که توسعه حاصله در اقتدار دریایی جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت تبیین گردیده است که در نهایت با جمع بندی منطقی، نتیجه گیری و پیشنهادهای مورد نظر ارائه شده است.

با توجه به ظرفیت های موجود؛ به امید روزی که سواحل مکران قطب علمی، تجاری و اقتصادی، صنعتی، فرهنگی و گردشگری ... در کشور عزیزمان به صافی آسمان و به روشنی آفتاب و وسعت بیکران دریای جنوب چون نگینی بدرخشد.

۲- اهمیت دریا و ضرورت داشتن اقتدار دریایی ج.ا.ا.

« در کشور ما در طول سالیان دراز، به مسئله دریانوردی بسیار بی احترامی و بی اهمیتی شده است؛ یعنی ما آن مردمی هستیم که وقتی در یک طرف مرزمان به آب رسیدیم، متوقف شدیم! برخلاف ملت هایی که وقتی به آب رسیدند، آب برایشان با خشکی یکی بود.» (مقام معظم رهبری - ۷۶/۹/۹)

« دریا برای یک کشور، یک فرصت بزرگ برای پیشرفت و حفظ منافع ملی است. فواید دریا برای یک کشور و یک ملت، فواید راهبردی است؛ فواید بزرگ و کلان است.

منافع دریا مال همه است؛ امکانات این دریای پر برکت متعلق به این ملت هاست. چگونه می شود از این برکات به نفع منافع ملی استفاده کرد و کشور را از آن بهره مند کرد؟ با داشتن اقتدار. این اقتدار را شما نیروهای مسلحی که با معنای جهاد و مفهوم از خودگذشتگی خو گرفته اید، می توانید تأمین کنید.» (مقام معظم رهبری - ۹۰/۵/۱)

در دنیای امروز، دریا برای ملت‌ها عامل مهم زندگی است و هیچ کشور ساحلی‌ای نیست که منافی دریا نداشته باشد. مردمی که از دریا دورند، فاقد یکی از مهم‌ترین مبادی ارتباطی باندنیای خارج خود هستند. اقتصاد اینگونه ملت‌ها به سختی، آهستگی و کندی پیش می‌رود. دریا در رشد و زندگی اقتصادی ملت‌ها اهمیتی حیاتی دارد. منافع کشورهای صاحب دریا ارتباطی مستقیم با خواسته‌ها، نیازها، توانایی‌ها و فرهنگ آنها دارد و در واقع سیاست دریایی آن کشورها را عینیت می‌بخشد. این سیاست در قالب راهبرد دریایی تبیین می‌شود و اهداف اقتصادی، سیاسی و نظامی را به دنبال دارد. موفقیت در اهداف مورد نظر بستگی به توان به‌کارگیری نیروی انسانی، ابزار و تجهیزات و قوانین و مقررات در حد فراگیر دارد و قدرت دریایی را به وجود می‌آورد. این تلقی منسجم از «قدرت دریایی» نشأت گرفته از ابعاد اصلی و اساسی جهان پیشرفته امروز است.

نیروی دریایی از دیرباز به‌عنوان یکی از عوامل مهم نظامی و اقتصادی، مورد نظر بوده است؛ به ویژه در سده‌های اخیر، ابرقدرت‌ها جهت حفظ سلطه خود بر جهان، سعی کرده‌اند تا با ایجاد یک نیروی دریایی قوی، امور نظامی و اقتصادی جهان را تحت سیطره خود قرار دهند. گام‌برداری در

مسیر راهبرد ملی به منظور دستیابی به اهداف کلان جمهوری اسلامی مستلزم برخورداری از امنیت در حوزه‌های مختلف است؛ چیزی که همواره دغدغه خاطر دولتمردان و کارگزاران نظام بوده است.

برخورداری از امنیت ملی نیازمند برخورداری از قدرت ملی است. نیروهای مسلح در کنار سایر ارکان قدرت ملی، نقشی اساسی در برقراری امنیت ملی ایفا می‌کنند. برخورداری از امنیت ملی در حوزه دریا، مستلزم برخورداری از قدرت دریایی است؛ جایی که به شدت متأثر از تفکر دولتمردان، سیاست‌های کلان کشور و اهداف ملی است. برای کشوری دریایی مانند ایران که منافع، اقتصاد و امنیتش با دریاها پیوند خورده، برخورداری از راهبرد دریایی متناسب، حیاتی و الزام آور است.

مجاورت با اقیانوس هند که به واسطه اهمیت و خصوصیات آن، عرصه حضور نیروی دریایی کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای شده، برخورداری از نفت به‌عنوان اصلی‌ترین منبع انرژی و ماده اولیه تولید بسیاری از محصولات کلیدی و راهبردی جهان، نیاز کشورهای صنعتی جهان به منابع انرژی و وجود رقابت اقتصادی سیاست‌زده و از همه مهم تر قرارگرفتن خطوط مواصلاتی راهبردی کشور در آب‌های اقیانوس هند و تنگه‌های راهبردی هرمز، مالاکا، باب‌المندب و کانال سوئز، همگی لزوم اقتدار دریایی به منظور ایجاد امنیت ملی در عرصه آب‌های اقیانوس هند و تنگه‌های راهبردی ملی و تحقق سند چشم‌انداز در افق ۱۴۰۴ تأیید می‌کند. برخورداری از نیروی دریایی مقتدر، در کنار ناوگان تجاری کارآمد و علوم و زیرساخت‌های دریایی روزآمد، ضمن کامل کردن مثلث قدرت دریایی کشور، منجر به افزایش امنیت ملی شده و دستیابی به اهداف ملی را میسر می‌کند.

تأثیر مثلث طلایی قدرت دریایی ایران (یعنی سیادت دریایی کشور) بر مثلث طلایی حمل‌ونقل دریایی و اقتصاد جهانی که در منطقه اقیانوس هند شکل گرفته، به معنی ایجاد امنیت و آزادی دریانوردی برای ناوگان تجاری جمهوری اسلامی در منطقه شمال اقیانوس هند و حفظ منابع و صیانت از منافع راهبردی کشور در این منطقه خواهد بود.

همچنین سیادت دریایی کشور بر آب‌های اقیانوس هند می‌تواند ابزاری قدرتمند برای تأثیرگذاری بر اقتصاد و سیاست جهانی باشد. کسب و حفظ سیادت دریایی و صیانت از منافع راهبردی کشور در اقیانوس هند مستلزم برخورداری از نیروی دریایی مقتدر و توانا به‌منظور حضور اثربخش و مداوم در آب‌های شمال اقیانوس هند است؛ جایی که استکبار جهانی منافع راهبردی خود را در آن جست‌وجو می‌کند؛ این میسر نیست مگر با رویکرد ملی به توسعه دریا محور و استقرار نیروی دریایی قدرتمند در سواحل کشور و توسعه حضور تا آب‌های بین‌المللی اقصی نقطه عالم. از نگاهی دیگر به اهمیت دریا و اقتدار دریایی پرداخته می‌شود:

- طبق محاسبات، نسبت خشکی‌های زمین به دریاها ۲۹ به ۷۱ درصد است و از اعجاز قرآن این که نسبت کلمات بر و بحر در قرآن نیز ۱۳ به ۳۲ است که برابر با نسبت خشکی‌ها و دریاهاست. [۲]
- ایران ۱۵ همسایه دارد که با ۳ کشور مرز خشکی، ۴ کشور مرز خشکی و دریایی و ۸ کشور تنها مرز دریایی دارد. از لحاظ طول مرزها نیز بیش از یک سوم مرزهای کشور دریایی است. خلیج فارس با دارا بودن بیش از ۶۵ درصد نفت جهان از طریق تنگه هرمز به دریای عمان و اقیانوس هند متصل می‌شود. پس جمهوری اسلامی ایران کشوری دریایی است و از نظر ژئوپلتیک از موقعیت ممتازی برخوردار و تسلط بر سواحل شمال خلیج فارس بویژه بر تنگه مهم و راهبردی هرمز به عنوان گلوگاه انرژی جهان اهمیت این موقعیت را دو چندان می‌کند.
- طول کل مرزهای ایران بالغ بر ۷۷۰۴ کیلومتر است که از این میزان، مرزهای دریایی به شرح زیر است:
 - مرز دریای خزر ۳۱۰ مایل دریایی تقریباً معادل ۵۷۴ کیلومتر
 - مرز دریایی در منطقه خلیج فارس ۴۸۵ مایل دریایی تقریباً معادل ۸۹۸ کیلومتر.
 - مرز دریایی در منطقه دریای عمان ۳۸۸ مایل دریایی تقریباً معادل ۷۱۸ کیلومتر.
 - مجموع مرز دریایی ایران تقریباً برابر با ۲۱۹۰ کیلومتر
 - و تقریباً ۳۰٪ از مرزهای کشور، مرز آبی است بنابراین جمهوری اسلامی ایران، کشوری دریایی محسوب می‌شود.
- با وجود حدود هزار کیلومتر مرز دریایی مشرف به اقیانوس هند، ۵ آبراه از ۹ آبراه مهم جهان در اطراف این اقیانوس قرار دارد که اهمیت اقیانوس هند را بیش از پیش نشان می‌دهد.
- از بعد تجاری تنها ۷ درصد مبادلات کالاهای کشور از مرزهای زمینی و ۹۳ درصد بقیه از مرزهای دریایی صورت می‌گیرد که این مساله اهمیت توجه به دریا را در کشور نشان می‌دهد.
- اقیانوس هند سومین اقیانوس جهان است که با ۷۰ میلیون کیلومتر مربع وسعت، ۲،۴ میلیارد نفر را در حاشیه‌ی خود سکنی داده است. اگر جمعیت چین را هم به این جمعیت اضافه کنیم نزدیک به نیمی از مردم جهان در حاشیه‌ی اقیانوس هند زندگی می‌کنند.
- حدود ۳۰ درصد تجارت جهان در محدوده شمال اقیانوس هند صورت می‌گیرد.
- ۲۵ شهر پیشرفته برتر دنیا در کنار دریا واقع شده اند.

بر اساس اهمیت مذکور در دکترین کشورهای غربی، نقطه پایهی نیروهای دریایی از اقیانوس اطلس به شمال اقیانوس هند و شرق چین تغییر کرده است که نشان دهنده تلاش آنها در کنترل این منطقه استراتژیک تجاری است و بیشترین فرصت ها و تهدیدها در گذشته، حال و آینده در دریا بوده است و صیانت از دریا و منابع ملی در دریا باعث اقتدار دریایی کشور است. [۳]

با توجه به موقعیت استراتژیک ایران در منطقه شمال اقیانوس هند و گستره ساحلی مکران، استفاده از این جایگاه ویژه، مستلزم برخورداری از قدرت دریایی است که ناوگان نظامی، ناوگان تجاری و توانمندی علمی و صنعتی سه ضلع مثلث قدرت دریایی هر کشور را تشکیل می دهد و مبدا و محل استقرار و شروع فعالیت اضلاع قدرت دریایی از سواحل کشور شروع و پس از اعمال توسعه پایدار خصوصا در بخش زیر ساخت های سخت افزاری و نرم افزاری، حوزه فعالیت به سمت دریا گسترش می یابد و لذا می طلبد که هر یک از این مولفه ها در حوزه ای جداگانه مورد بررسی قرار گیرد. چون بحث توسعه سواحل مکران مطرح است لذا در این مقاله با رویکرد توسعه ای صرفاً به اهمیت یکی از اضلاع اقتدار دریایی یعنی توانمندیهای علمی که نقش محوری و موثر در تمام حوزه های قدرت دریایی دارد پرداخته می شود.

۳- منطقه جنوب شرقی کشور در یک مقایسه کلی با منطقه شمال شرقی

اگر کشور جمهوری اسلامی ایران به دو قسمت شمال غربی و جنوب شرقی تقسیم گردد، وضعیت بدین شرح است:

شاخص	شمال غربی	جنوب شرقی
وسعت	٪۴۵	٪۵۵
جمعیت	٪۸۸/۸	٪۱۰/۲
اشتغال	٪۸۷	٪۱۳
جاده ریلی	٪۶۷/۶	٪۳۲/۴
جاده اصلی	٪۶۷/۴	٪۳۲/۶
بزرگراه	٪۸۸/۶	٪۱۱/۴
مرز دریایی	٪۳۰	٪۷۰
بیمارستان	٪۹۰	٪۱۰
دانشجو	٪۹۲	٪۸
ذخائر معدنی	٪۳۵	٪۶۵

شایان ذکر است که هرچه قدر در چند سال اخیر توسعه زیر ساخت های کشور بسیار زیاد بوده و لیکن به نظر می رسد، این توسعه در سطح ملی بوده و تغییر چندانی در نسبت های فوق ایجاد نشده است.

مأخذ: سازمان مدیریت و برنامه ریزی- دفتر آمایش و برنامه ریزی منطقه‌ای

۴- توسعه چیست و شاخص هایی توسعه یافتگی کدامند ؟

" آرون تولین " انسان را مبنا و اساس توسعه قرار می دهد و می گوید: ((توسعه قبل از هر چیز تعهدی است به وسیله انسان، با انسان و برای انسان)) [۴]

" دستیابی به توسعه، آرزوی هر جامعه انسانی است. نیروی انسانی هر جامعه برای رسیدن به توسعه با ارزش ترین سرمایه است. توسعه نیازمند نیروی انسانی است که از توانایی های قابل تطبیق با شرایط کار و تکنولوژی برخوردار باشد. توسعه ی بشری وابستگی به نیروی انسانی مولد دارد. هاربیسون، مایرز، دنیسون و ساخار و پولوس در مطالعات منظمی که در زمینه اقتصاد آموزش و پرورش داشتند همگی بر پیوند میان آموزش و توسعه (از جمله توسعه اقتصادی) تأکید کرده و اساس توسعه را با نیروی انسانی توانا و مولد مرتبط دانسته اند. [۵]

فردریک هاربیسون، به حداقل رساندن بیکاری، به حداکثر رساندن سطح فرهنگ و دانش و آموزش و پرورش، بهداشت بهتر، محدود کردن رشد جمعیت و اصلاح محیط زیست را از اهداف توسعه ی ملی بر شمرده است. "محبوب الحق" در تعریف توسعه اهمیت ویژه ای برای انسان قایل می شود و رفاه انسان ها را هدف توسعه می داند و می گوید: ((تولید ناخالص ملی را می توان افزایش داد اما هدف نهایی توسعه رفاه انسان هاست نه ارقام مربوط به تولید ناخالص ملی.)) [۶]

مشاوران یونسکو عقیده دارند: ((توسعه فرایندی هدفدار است که به وسیله انسان آغاز می گردد و هدف آن بهبود بخشیدن به شرایط زیستی کلیه افرادی است که در یک جامعه زندگی می کنند.)) این تعریف ما را به سه جنبه اساسی که برای امر توسعه ضروری است، جلب می کنند: الف- توسعه فرایندی است که حرکت آن در جهت بهزیستی است. ب- فرایند توسعه به وسیله انسان آغاز می شود. ج- توسعه فرایندی است مداوم، از این رو باید بر آن پیوسته نظارت داشت.

هدف توسعه، بهبود است. کاربرد مفهوم توسعه در مورد کشور، جامعه یا انسان نیز در چارچوب دو جنبه اساسی رشد و توسعه مطرح است بدیهی است آنچه که به چشم می آید و معمولی است جنبه کمی یا رشد است. توسعه یک فرایند خودجوش و خودکار نیست بلکه باید سازمان یافته و برنامه ریزی شود. توسعه تنها حاصل اراده و کوشش های بخردانه و پیگیر ملت و دولتی است که خواستار بهبود زندگی خود می باشند. [۷]

توسعه می تواند به صورت های گوناگون و با شاخص های زیر جلوه گر شود و بر این اساس با یک بررسی اجمالی می توان وضعیت توسعه جامعه سواحل مکران را ارزیابی نمود :

الف- رشد: تغییرات کمی در طول زمان تأسیس نهادهای جدید، جاده ها، بیمارستان ها، کارخانجات و... تمام این موارد می تواند به عنوان شاخص های توسعه ملی منظور شود. از طریق اندازه گیری این امکانات و خدمات می توانیم میزان رشد و در نتیجه توسعه ی حاصل شده را مقایسه کنیم.

ب- تولید ناخالص ملی: تولید ناخالصی ملی عبارتست از ارزش کالاها و خدمات تولید شده سالانه در یک کشور. از آنجا که تولید ناخالص ملی برای هر کشوری قابل درک است به عنوان رایج ترین شاخص سنجش میزان توسعه در مطالعات تطبیقی کشورها به کار می رود.

ج- در آمد سرانه: به عنوان یک شاخص اقتصادی در مقایسه بین کشور ها به کار می رود. در جامعه بین الملل شاخص درآمد سرانه برای طبقه بندی کشورها به نسبت ثروت های نسبی شان به کار می رود. درآمد سرانه که از حاصل تقسیم تولید ناخالص ملی سرانه کشور به جمعیت آن به دست می آید.

د- کیفیت زندگی: رشد اقتصادی به تنهایی نمایانگر حرکت صحیح در جهت اهداف توسعه نیست. گر چه سعی شده است تأمین رشد کمی اقتصاد کشور و تأثیر آن بر زندگی شهروندان (درآمد سرانه) ارتباط برقرار شود، ولی مشخص نیست چه کسی به چه میزان از درآمد ملی را دریافت می کند..

ه- شاخص های اجتماعی-اقتصادی: نظیر مرگ و میر نوزادان، درصد پراکندگی جمعیت، چاپ روزنامه بر حسب هر هزار نفر. [۸]

و- میزان افت تحصیلی و ترک تحصیل و عدم تحصیل کودکان لازم التعلیم. [۹]

۵- جایگاه منابع انسانی در توسعه

با توجه به تعاریف فوق می توان گفت که توسعه حکایت از تغییر و حرکت دارد و انسان در این حرکت و انتقال هم وسیله است و هم هدف و وضع مطلوب و در حقیقت فرایند توسعه در جهت تقویت روح عرفانی و تعالی و کمال انسانی است.

"توسعه هر نقطه از کشور بدون توسعه ی منابع انسانی میسر نمی گردد. توسعه منابع انسانی در معنای عام با افزایش و بهبود کمی و کیفی توانایی ها و مهارت های او عملی می گردد." [۱۰]

با آنکه در گذشته تنها سرمایه ی مادی به عنوان عامل توسعه محسوب می شد لیکن با مشخص شدن نقش و اهمیت نیروی انسانی در توسعه، نوع دیگری از سرمایه، یعنی سرمایه انسانی نیز به تدریج جایگاه شایسته خود را در تحلیل ها و برنامه ریزی های توسعه یافت سرمایه به مفهوم سرمایه ی مادی و سرمایه انسانی از عوامل اصلی توسعه محسوب می گردد و در واقع جمع این دو نوع سرمایه است و اهداف توسعه را تحقق می بخشد.

۶- جایگاه تربیت، آموزش و مهارت های منابع انسانی در توسعه (تربیت و آموزش رکن اساسی توسعه)

حال که روز به روز به سوی جهانی تر شدن پیش می رویم، انسان در آستانه ی قرن بیست و یکم با شتاب تکنولوژی آن چنان می رود که از خود نیز می ماند. بیسواد و فقر آگاهی، انزوای جهانی در پی می آورد و انزوا یعنی پیمودن مسیر نابودی و نیستی که اگر ندانیم و بر آن نتازیم، آنان که می دانند می آیند و بر ما می تازند و باقی داستان را رقم می زنند.

برای رسیدن به آگاهی و سواد، امروزه دیگر بینش و ضرورت توجه به تربیت و آموزش در بسیاری از کشورها کاملاً شناخته شده و تلاش آنها در جهت بهبود این رکن اساسی و انسان ساز جوامع است و مستلزم رسیدن به این باور است که امروز دانایی، توانایی است. [۱۱]

"آگوست کنت" پدر علم جامعه شناسی می گوید: «پیشرفت و ترقی بشر به تربیت و آموزش صحیح بستگی تمام و کمال دارد زیرا تعلیم و تربیت صحیح حس تفاهم را بین افراد پرورش می دهد».

"وارد" جامعه شناسی آمریکایی معتقد است: «تعلیم و تربیت در پیشرفت اجتماع اثر فراوان دارد زیرا اگر انسان صحیح پرورش یابد، قادر به حل مشکلات موجود خود خواهد بود و مشکلاتی را که در راه پیشرفت و ترقی اقتصادی و اجتماعی است، از بین خواهد برد».

"پیازه" عقیده دارد: «هدف اساسی تربیت و آموزش بار آوردن افرادی است که بتوانند دست به کارهای خلاق و تازه بزنند، نه اینکه فقط به تکرار کارهای گذشتگان بپردازند. غرض، ساختن اشخاصی است که خلاق، مخترع و کاشف باشند.» [۱۲]

اهمیت شگفت انگیز تربیت و آموزش در زندگی انسان و شکوفایی استعدادها و ارزش های الوالی انسانی بر هیچکس پوشیده نیست. تربیت و آموزش درست نه تنها می تواند در رشد اخلاقی، رفتاری و حتی جسمانی افراد مؤثر باشد، بلکه وسیله ای در جهت رفع نیازهای حقیقی و مصالح اجتماعی به شمار می آید یعنی نقش تربیت و آموزش نه تنها در عینیت بخشیدن به زندگی مادی و معنوی فرد متوقف و محدود نمی شود بلکه تمام شؤون اجتماعی او را در بر می گیرد و عامل رشد و تحول اساسی جامعه می گردد. «رشد اقتصادی در هر جامعه تا حدودی بستگی به میزان تحول در رفتار فردی دارد چرا که انسان مهم ترین عامل در فرآیند تولید است، زیرا که از یک طرف قدرت مدیریت و تخصیص

منابع را در اختیار دارد و از طرف دیگر با نیروی کار خود تصمیم های اتخاذ شده را جامه ی عمل می پوشاند. بدین ترتیب تحولات فردی و اجتماعی برای نیل به رشد اقتصادی، حیاتی است» [۱۳]

"آدام اسمیت" اقتصاددان معروف کلاسیک معتقد است: ((آموزش افراد در واقع نوعی سرمایه گذاری در آنهاست. با آموزش افراد توانا تر خواهند شد و رشد قابلیت های آنان سبب می گردد که نه تنها خود به درآمد بیشتری نایل گردند، بلکه جامعه نیز از سرمایه گذاری در آنها منتفع گردد))، به عقیده اسمیت "انسان ها با آموزش به سرمایه مبدل می شوند و جامعه می تواند از تولید آنها به صورت بهتری بهره مند گردد.)) [۱۴]

تأمین سرمایه انسانی مستلزم انجام فعالیت های آموزشی است، بنابراین انجام هرگونه سرمایه گذاری آموزشی، سرمایه گذاری برای تأمین سرمایه انسانی تلقی می گردد و هم شرایط بهبود کیفیت این سرمایه ها را فراهم می آورد. آموزش مانند دیگر انواع سرمایه گذاری در سرمایه ی انسانی می تواند به توسعه ی اقتصادی کمک نماید. سرمایه انسانی در واقع کلید رشد و توسعه در هر جامعه ای می باشد، آن جامعه ای مراحل رشد و توسعه را سریع تر و بهتر طی می کند و به قله های پیشرفت و موفقیت می رسد که از نیروی انسانی ماهر، متخصص و شایسته برخوردار باشد و چنین نیروی انسانی زمانی تأمین خواهد گردید که سرمایه گذاری های مناسب در زمینه های مختلف آموزشی صورت پذیرد. تنها از طریق آموزش است که می توان توانایی ها و مهارت های لازم را به نیروی کار منتقل نمود و موجب افزایش قدرت تولید جامعه و نیز بازدهی کار افراد گردید. "امروز افراد، خانواده ها و دولت ها تمایل زیادی به سرمایه گذاری در بخش آموزش از خود نشان می دهند چرا که تربیت و آموزش از یک سو قابلیت های نیروی انسانی را ارتقاء می بخشد و در شکوفایی استعداد ها نقش مؤثری دارد و از سوی دیگر نیروی کار را برای استفاده بهتر از تکنولوژی برتر تولید آماده و مهیا می سازد و این دو نقش تربیت و آموزش در رشد و توسعه اقتصادی سهم مهمی دارد و به همین علت است که کشورهای توسعه یافته هر روز مبالغ بیشتری به این بخش اختصاص می دهند." [۱۵]

جهان امروز دریافته است که آموزش افراد نوعی سرمایه گذاری ملی است و هر کشوری که در این راه تلاش بیشتری نماید، بدون شک از رشد و توسعه ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیشتری در آینده برخوردار خواهد شد. سرمایه انسانی که در نتیجه ی آموزش حاصل می شود از مهم ترین عوامل رشد و توسعه اقتصادی به شمار می آید. "هاربیسون" در این زمینه اظهار می دارد: ((منابع انسانی پایه های اصلی ثروت ملت ها را تشکیل می دهد. سرمایه و منابع طبیعی عوامل تبعی تولیدند در حالی که انسان ها عوامل فعالی هستند که سرمایه ها را متراکم می سازند، از منابع طبیعی بهره برداری می کنند، سازمان های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را متراکم می سازند و توسعه ی ملی را به جلو می برند. به وضوح کشوری که نتواند مهارت ها و دانش مردمش را توسعه دهد و از آن در اقتصاد ملی به نحو مؤثری استفاده نماید، قادر نخواهد بود هیچ چیز دیگری را توسعه بخشد.)) [۱۶]

از نظر هاربیسون کشوری که قادر به توسعه مهارت و دانش مردم و بهره گیری از آن در رشد اقتصاد ملی نباشد در حل مشکلات توسعه نیافتگی نیز ناتوان خواهد بود. [۱۷]

در این کشور های پیشرفته آسیای شرقی، اروپایی و آمریکای شمالی به دلیل کمبود مواد اولیه مورد نیاز، اصولاً برای استعداد ها و هوش نیروی انسانی اهمیت بسیار قایل اند و بیش از هر چیز بر استفاده از روش های اصولی در هدایت صحیح این نیرو متکی هستند. در این کشورها، مدیران مراکز تولیدی، خدماتی و صنعتی عقیده دارند که کارکنان باید آموزش ببینند و بیاموزند که چگونه از آموخته های خود استفاده کنند. بنابراین، نه تنها سعی دارند در داخل کشور خود به طرق گوناگون فرصت های یادگیری و آموزش علوم و فنون لازم را در اختیار کارکنان قرار دهند، بلکه برای همگامی با تحولات جدید در زمینه ی علوم و فناوری، جوانان خود را به کشورهای پیشرفته دیگر نیز اعزام می دارند تا فرایند انتقال دستاوردهای علمی دیگر نقاط جهان را به کشور خود تسهیل کنند. از آنجا که این کشور ها بیشترین ارزش را برای نیروی انسانی خود قائل اند، بیشترین سرمایه گذاری ها را نیز به توسعه نیروی انسانی اختصاص می دهند. برای مثال کشورهایی چون ژاپن، آلمان، فرانسه و ایالات متحده آمریکا که قطب های عمده ی صنعتی به شمار می آیند، درصد قابل توجهی از بودجه و سود ناخالص ملی خود را به امر آموزش کارکنان اختصاص می دهند.

در این کشور ها، توجه به دانش کاری کارکنان را نقطه آغاز بهبود و بهره وری و ارتقای کیفی تولید و خدمات می دانند. در نتیجه، در آن جا آموزش تنها به معنای فراگیری مطالب تازه نیست، بلکه بیشتر تأثیر آموزش بر بهبود روند کار مورد نظر است. [۱۸]

حال که توسعه به همراه شاخص های آن تبیین و جایگاه منابع انسانی، نقش تربیت و آموزش و مهارت منابع انسانی در توسعه تشریح گردید، آغاز و سمت سوی محوریت مقاله را با اهمیت علم و دانش از منظر قرآن و پیشوایان بزرگ اسلامی مرور می کنیم تا اهمیت توانمند سازی سرمایه انسانی در فرآیند توسعه هر نقطه از کشور بیشتر مشخص و متمایز گردد :

۷- اهمیت علم از منظر قرآن و پیشوایان بزرگ اسلام

می توان گفت که قرآن مجید در میان همه کتاب های آسمانی بیشترین پاسداشت و تکریم را نسبت به علم و دانش اندوزی مبذول داشته است. این تجلیل به حدی است که برخی آن را یکی از ابعاد اعجاز آمیز قرآن دانسته اند. [۱۹] به ویژه با توجه به این واقعیت انکارناپذیر که آورنده قرآن فردی «امی» و درس ناخوانده بود و با اندیشه های هیچ دانشمندی آشنا نبوده است، و بالاخص محیط ظهور وی از بدوی ترین و جاهلی ترین محیط های انسانی بوده است و مردم آن با هرگونه تمدن و فرهنگ بیگانه بوده اند؛ چرا که ممکن نیست که یک فرد، حتی فرد نابغه، بتواند بدون الهام و از پیش

خود این گونه معانی و اندیشه‌های غنی‌ای را ارائه کند که اندیشه‌های متفکران بزرگ را جلب کند. گذشته از این، قرآن در اغلب مسائلی که مطرح کرده است، افق‌های نوینی را گشوده است. [۲۰] بی‌شک، نخستین حرکت علمی که در میان مسلمانان تولد یافت نزول قرآن و حفظ آیات آن از سوی مسلمانان بود. [۲۱] تجلیل و پاسداشتی که قرآن نسبت به علم‌ورزی نشان داده است در هیچ یک از کتاب‌های آسمانی دیگر به چشم نمی‌خورد. [۲۲] قرآن نه تنها علم‌ورزی را ستایش می‌کند، بلکه آن را تقدیس کرده و عالم و دانشمند را مقدس می‌شمارد. در قرآن حدود هفتصد و هشتاد مرتبه از علم سخن به میان آمده است. قرآن مجید در این آیات بارها مردم را به تدبیر و دانش‌اندوزی فرا خوانده است و از جهل برحذر می‌دارد و برتری اهل علم را گوشزد می‌کند: «یرفع الله الذین آمنوا منکم و الذین اتوا العلم درجات». [مجادله/۱۱] نخستین آیاتی که بر پیامبر نازل شد، نعمت قلم و دانش آموختن را بیان کرده و بر انسان منت می‌گذارد. در این باره همین بس که قرآن عصر توحش اعراب را که پیش از ظهور اسلام بوده عصر جاهلیت می‌نامد و دلیل برتری آدم بر فرشتگان را جنبه علم او می‌داند. [بقره ۳۱-۳۰]

در اینجا به ذکر چند روایت از پیشوایان بزرگ اسلام در باره ارزش علم و دانش می‌پردازیم:

۱- از امیرالمومنین علی (ع) در باره " خیر " سوال شد که فرمودند: " خیر آن نیست که مال و اولاد تو زیاد باشد - خیر آنست که علم تو بسیار گردد. (نهج البلاغه ص ۴۸۴)

۲- از امام صادق (ع) نقل شده: هنگامی که روز قیامت بر پا شود - خداوند عزوجل عالم و عابد را (آنگاه که دادگاه عدل الهی اقامه شود) مبعوث می‌کند و به عابد گفته می‌شود روانه بهشت شو. اما به عالم گفته می‌شود بایست بخاطر تادیب خوبی که نسبت به آنان انجام داده ای - شفاعت کن. (بحار ج ۲ ص ۱۶)

۳- از امام باقر (ع) نقل شده: ارزش یک دانشمند مفید به حال اجتماع بیشتر از ارزش عبادت هفتاد هزار عابد است. (بحار ج ۲ ص ۱۸)

۴- اهمیت علم و دانش با شعری خاطره انگیز از حکیم ابوالقاسم فردوسی طوسی: توانا بود هر که دانا بود ز دانش دل پیر برنا بود

۵- از دیدگاه بنیانگذار انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی(ره):

« آن کسی که دانش دارد لکن دانشش توأم با تهذیب اخلاق و یک تربیت روحی نیست، این دانش موجب این می‌شود که ضررش بر ملت و کشور زیادتر باشد.»

۶- از دیدگاه حضرت امام خامنه‌ای (مد ظله العالی):

« مهمترین کاری که باید امروز در کنار آن قانده سازی انجام بگیرد، این است که به مقوله پرورش به هر شکلی اهمیت داده شود.

آموزش‌های قدیمی امروز خیلی کارایی ندارد، آموزش‌های نو و ابتکاری لازم است. این‌ها به یک بررسی همه جانبه قوی نیاز دارد.»

حال که اهمیت علم و دانش از منظر قرآن و پیشوایان اسلام تبیین شده در این بخش از مقاله به نقش نهادهای تربیتی و آموزشی و در ابتدا جایگاه آموزش و پرورش در توانمندی سازی پایه ای استان بالاخص شهرستان های سواحل مکران پرداخته می‌شود:

۸- نقش اساسی آموزش و پرورش

از منظر تئوری و تجربی دلایل فراوانی بر ضرورت توجه خاص به نهادهای تربیتی و آموزشی و توسعه منابع انسانی از طرف دولت‌هایی که هدفشان بالا بردن رشد اقتصادی و فرهنگی و بهبود پرورش انسانی است در اختیار می‌باشد و مهم تر از همه، کوشش برای بهبود و گسترش نهاد های آموزشی برای اعتلای افرادی که در توسعه سواحل مکران نقش محوری دارند در ابعاد زیر ضروری می‌باشد. [۲۳] نکته شایان توجه این است که با توجه به میزان حضور افراد غیر بومی به جهت داشتن مشاغل در ادارات لشکری و کشور و یا آزاد، نیاز است که ابعاد مذکور با ظرافت و حساسیت خاصی مورد توجه قرار گیرد.

الف- بعد اخلاقی: اگر آموزش و پرورش به عنوان یک حق انسانی مورد عنایت قرار گرفته، به دلیل این است که در نتیجه آن خلاقیت فردی و مشارکت مؤثر در وظایف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه تقویت شده و بدین ترتیب به اعتلای رشد و پرورش انسانی کمک می‌شود.

ب- بعد بهداشت و تغذیه: با توجه به وضعیت بهداشت منطقه، همزمان با توسعه زیر ساخت های درمانی و بهداشتی، آموزش و پرورش به بهبود بهداشت و تغذیه کودکان و والدین کمک می‌کند. هرچه والدین تحصیلات بیشتری داشته باشند، شرایط بهداشت کلیه اماکن و همچنین تغذیه خودشان و کودکانشان بهتر است. این مسئله در این منطقه از استان هر چند رو به بهبودی است و لیکن همچنان به متوسط مورد نظر فاصله بسیار دارد.

پ- توسعه تکنولوژی: در عرصه تغییرات پر شتاب تکنولوژی عصر جدید، آموزش و پرورش یک نقش کلیدی محسوب می‌شود. توان یک کشور در حال توسعه در بهره گیری از پیشرفت تکنولوژی و در مشارکت فعال و نوآوری های تکنولوژی به تعدادی از پیشتازهای آموزشی وابسته است. باید پژوهشگران عالیقدر، مهندسان و تکنسین های تربیت شده و ترجیحا بومی این منطقه به گونه ای مطلوب به کار گرفته شوند.

ت- توسعه محیط زیست: آموزش و پرورش، روابط بین انسان و محیط زیست را بهبود می‌بخشد. در کشورهای در حال توسعه، ناکافی بودن منابع آب، سیل و قحطی ناشی از بهره کشی بیش از حد زمین و خاک، سوء تغذیه که به جوانان بیشتر آسیب می‌رساند، توسعه بی رویه شهرنشینی و

عوامل دیگر از مسائل زیست محیطی هستند که مشخصه توسعه نیافتگی و سوء توسعه می باشد. آموزش و پرورش به معنای وسیع خود می تواند به درک بهتر مسائل محیط زیست و چاره جویی برای آن مساعدت کند. در خیلی از مواقع کودکان و نوجوانان با آموزش های درستی که در مدرسه دیده اند، در تغییر فرهنگ والدین خود در همه ابعاد موثر بوده اند و به نظر می رسد در این منطقه، نقش آموزش و پرورش بیش از سایر نقاط کشور ضروری است.

ج- نابرابری ها و توسعه منابع انسانی: آموزش و پرورش نهاد اجتماعی عظیمی است که می تواند در اعتدالی برابری و حکومت مردمی مؤثر باشد. با توجه به تفاوت های فرهنگی و مذهبی موجود در این منطقه، فرهنگ پذیری به مشکل مثبت و مورد نظر نظام و با رعایت حقوق مدنی از طریق آموزش و پرورش امکان پذیر است. به گونه ای که در صورت وجود ساختار اجتماعی مساعد و زمینه اقتصادی مناسبی که حرکت به سمت تعالی را امکان پذیر کند و نیز اختلافات اجتماعی دامنگیر را کاهش خواهد داد.

ه- بعد فرهنگی- اجتماعی: رنه ماهو می گوید: "علم زمانی توسعه می یابد که به فرهنگ تبدیل شود." [۲۴] فرهنگ کلیت تامی از ویژگی های معنوی، مادی، فکری و احساسی است که یک گروه اجتماعی را مشخص می کند. فرهنگ شامل آیین نامه های زندگی، حقوق اساسی، نظام های ارزشی، سنت ها و باورهاست. بعد فرهنگی مرجع اصلی ارزیابی همه ی عوامل است. توسعه فقط می تواند در جایی که از آن ریشه گرفته است یعنی در فرهنگ ها و سنت های همان کشور رشد کند زیرا توسعه فرایندهای همه جانبه و مرتبط با ارزش های هر جامعه و فرا خواندن مشارکت آحاد افراد و گروه هایی است که هم بنیان گذار آن هستند و هم از آن منتفع می شوند. در هر صورت اگر توسعه با توجه به خواست مردم و بر مبنای فرهنگ منطقه مکران باشد، موجبات ارتقا و رشد عامل نیروی انسانی را فراهم می نماید و این علاوه بر افزایش مهارت ها و توانایی های نیروی انسانی است. [۲۵]

" برنامه ریزی هایی که تاکنون به نام توسعه کارشناسان داخلی و خارجی در طی دهه های اخیر طراحی و در کشورهای معروف به توسعه نیافته پیاده شده عمدتاً کانون توجه خود را رشد اقتصادی و توسعه داده و عوامل اجتماعی و فرهنگی رشد را تا حد زیادی مورد بی توجهی و غفلت قرار داده اند. عواملی که خود می تواند بنیان یک توسعه درون زا و مولد را موجب شود و در صورت بی توجهی خود جزء عوامل بازدارنده و مانع توسعه مستمر و پویا باشد و جلوی هر گونه توسعه مطلوب را سد کند. اقتصاد خود بخشی از فرهنگ است و توسعه اقتصادی جنبه ای از توسعه اجتماعی و فرهنگی است. [۲۶]

((همچنین آموزش و پرورش در گسترش یا کاهش فاصله فرهنگی متداول در کشورهای در حال توسعه بین طبقه نخبگان تحصیلکرده که به تسهیلات متنوع و نظام ارتباطات بین المللی دسترسی دارند و اکثریت محروم مانده از این گونه امکانات عامل تعیین کننده ای است.)) [۲۷]
و- توسعه اقتصادی: بین توسعه منابع انسانی و رشد اقتصادی رابطه نزدیکی وجود دارد. بدون تردید آموزش ابتدایی تأثیر تعیین کننده ای بر بهره وری اقتصادی می گذارد. بررسی های تطبیقی نیز نشان داده است که چهار سال تحصیلات ابتدایی سبب ۸/۷ درصد افزایش بهره وری در بین کشورها شده است. موفق ترین کشورهای تازه صنعتی شده مثل: کره، سنگاپور، هنگ کنگ و آنهایی که در دوره های ۱۹۶۰-۱۹۷۰ سریع ترین رشد محصول ناخالص ملی را داشته اند یعنی تایلند، یونان و ... عموماً به آموزش ابتدایی همگانی یا به محو تقریبی بیسوادی دست یافته بودند که سیر صعودی اقتصاد آنان آغاز شد. [۲۸]

۹- نقش معلمان و اساتید مدارس و مراکز آموزشی پایه و عالی

حضرت امام خمینی (ره) در این خصوص می فرماید: «نقش معلم بسیار حساس و مهم است و مسئولیت بسیار زیادی دارد، نقش مهمی است که همان نقش تربیت است که اخراج من الظلمات الی النور.»

مهم ترین عامل در تغییر و تحول در کیفیت آموزش و پرورش بستگی تام و تمام به کیفیت معلمان و اساتید دارد بی جهت نیست که در گزارش ((همایش بین المللی با نکوک)) با عنوان تربیت معلم، تعریفی نو برای آسیای نوین آمده است: "کیفیت نظام آموزش در نهایت به کیفیت معلمان آن وابسته است، در حقیقت هیچ کشوری نمی تواند از سطح معلمانش بالاتر رود. [۲۹]

۱۰- نقش دانشگاه و مراکز آموزش عالی

چندین دهه بحث و آزمایش به درک این نکته در سراسر جهان انجامیده است که بسیاری از دانشگاهها می توانند نقش های متنوع اما مهمی در نوآوری و توسعه داشته باشند. نقش مراکز آموزشی کشور خصوصاً مراکز جنوب شرق کشور در کلیه موضوعات فرهنگی، اقتصادی، صنعتی، سیاسی و ... در این منطقه بکر بیش از سایر نقاط کشور نقشی مضاعف و تاریخی است و متولیان امر بایستی شرایط را برای پویایی دانشگاه و انتقال تجربیات و آموخته ها به محیط عمل فراهم نمایند.

اکتشافات علمی که به نوآوری های صنعتی می انجامد، به خصوص از طریق کاربردهای دانشگاهی، تصویری کلاسیک از کمک دانشگاهها به توسعه اقتصادی است. بسیاری از نهادهای تحقیقاتی می کوشند چنین رابطه ای را بازسازی کنند، زیرا دانشگاهها ممکن است فاقد فرهنگ یا ظرفیت انجام آن باشند. باین حال، برخی دانشگاهها در اطراف خود، مراکز صنعتی کوچکی ایجاد می کنند که می تواند اکتشافات علمی را جذب و از آن برای

ایجاد بهره اقتصادی استفاده کند. برای آنکه کاربردهای جنبی یافته‌های علمی موفقیت‌آمیز باشد، دانشگاه باید با سرمایه‌گذاران مالی آگاه از فناوری، تعامل برقرار کند و ظرفیت مدیریتی و منابع تخصصی دیگر پیدا کند.

روش دوم، حمایت دانشگاه‌ها از توسعه اقتصادی، ارائه دانش و مهارت‌های فنی به‌روز در میان نیروی کار است. دانشگاه‌ها می‌توانند چنین نقشی را در تمام سطوح ایفا کنند. نه تنها شمار اندکی از دانشمندان فعال در بخش تحقیق و توسعه باید دانش خود را به روز کنند، بلکه شمار زیادی از کارشناسان فنی در سطوح میانی و حتی بیشتر کارگران فنی چنین نیازی دارند.

تعامل دانشگاه با صنعت به آنان اجازه می‌دهد به نیازهای صنعت پی ببرند اما این ارتباط بر آگاهی آنان از مسائل مرتبط تأثیر می‌گذارد. دانشگاه‌ها می‌توانند ضرابهنگ اجتماعی، فرهنگی و فکری یک ناحیه محلی را ارائه کنند و با این کار نقش غیر مستقیم اما مهم اقتصادی ایفا کنند. رخدادهای فرهنگی پیرامون دانشگاه‌ها می‌تواند آن مکان را برای متخصصان تحصیلکرده و کارفرماهایشان جذاب کند.

در بسیاری از کشورها، نهادهای آموزش عالی بر تحقیق علمی بدون گرایش عملی متمرکز هستند، یا سودای تحقق چنین هدفی را در سر می‌پروراند. مؤسساتی که گرایش عملی دارند، اغلب علمی‌تر می‌شوند و مؤسسات متمرکز بر تدریس بیشتر به سوی تحقیق گرایش پیدا می‌کنند. یک دلیل برای این تغییرات تفسیر غالب «خودمختاری علمی» است که اغلب جدایی از سهامداران خارجی را تشویق می‌کند. در واقع، برای برخی دانشگاه‌های تحقیقاتی، مرتبط بودن بخشی جدایی‌ناپذیر از مأموریت آنهاست، حتی در حالی که می‌کوشند در نوک پیکان حرکت پژوهش باشند، مانند ام آی تی. البته همه دانشگاه‌های تحقیقاتی پژوهش مرتبط انجام نمی‌دهند، اما ام آی تی تحقیقات در زمینه‌هایی را تشویق می‌کند که تأثیر قابل توجهی از آن انتظار می‌رود.

این دانشگاه سازوکارهایی برای حمایت از پژوهش میان‌رشته‌ای با شرکت بسیاری از محققان حرفه‌ای دارد. این رویکرد بر خلاف رویه حاکم بر فعالیت محققان ارشد در کشورهای دیگر است - مثلاً در انگلیس - که ارزیابی عملکرد آنان ارتباط تنگاتنگی با انتشار مقاله و کتاب توسط آنان دارد. دانشگاه‌ها می‌توانند با ایجاد سریع منابع انسانی با مهارت و دانش اساسی، به گسترش پاسخگویی در بازار نیروی کار کمک کنند. استادان این قبیل مؤسسات به داشتن آثار علمی یا پژوهش طراز اول معروف نباشند، اما جهت‌گیری پیشرفت علمی را می‌شناسند و می‌توانند برنامه‌های آموزشی خود را برای مواجهه با نیازهای جدید به‌روز کنند.

در ژاپن در دهه ۱۹۹۰ پس از یک دهه رکود اقتصادی، سیاستمداران، صاحبان صنایع و تمام رسانه‌ها از دانشگاه‌ها خواستند به عامل فعال تجدید ساختار اقتصادی بدل شوند. نیازهای جامعه به قدری جدی بود که بسیاری از استادان احساس می‌کردند از این جهت وظیفه اخلاقی دارند و اکنون در حال پاسخ دادن به این نیاز هستند.

کمیون منابع مالی نیز می‌تواند باعث شود دانشگاه‌ها با صنعت پیوند برقرار کنند تا منابع مالی دیگری پیدا کنند. دانشگاه کاتولیک شهر لیوون در بلژیک در اواخر دهه ۱۹۶۰ به هنگامی که دچار مشکل مالی بود، نقطه عطفی را پشت سر گذاشت، چون باید با صنعت تعامل اقتصادی برقرار می‌کرد. ام آی تی در روزهای اولیه تأسیس آن قدر منابع مالی نداشت که حقوق استادان را تمام و کمال پرداخت کند. در نتیجه مسئولان دانشگاه به ارائه خدمات مشاوره روی آوردند.

در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ کاهش کمک‌های فدرال، بسیاری از دانشگاه‌های آمریکا را واداشت به پژوهش‌های صنعتی روی آورند. با این حال، پول فقط باعث تغییرات سطحی می‌شود. مثلاً در بسیاری از کشورها، استادان شغل دوم با صنعت پیوندهای گسترده‌ای دارند. اما مؤسسات آنان تحقیقات عملی اندکی صورت می‌دهند یا برنامه درسی به‌روزی ندارند.

ایجاد ارتباط بین نیازهای صنعت و رشته‌های دانشگاهی، نقطه آغاز خوبی برای ایجاد گفتگو بین دانشگاه‌ها، صنعت و دولت است. به این منظور، مراکز صنعتی باید از بدبینی دست بردارد و باور کند که دانشگاه می‌تواند به توسعه کمک کند و استادان دانشگاه باید بدانند، ارتباط بین علم و نیازهای کاربردی را در نظر بگیرند.

در انتهای این بخش نقش دانشگاه‌های در توسعه سواحل مکران و اقتدار دریایی جمهوری اسلامی ایران جمع بندی می‌گردد.

توسعه علمی و ارتباط دانشگاه با مراکز صنعتی سواحل جنوب شرق بخصوص نیروی دریایی با عث می‌گردد که ابتدا ظرفیت‌های و ثروت بالقوه در این خطه بکر از کشور در همه موضوعات (منابع سطح و زیر دریا و ساحل) شناسایی و مورد بهره برداری قرار گیرد و تأسیسات، تجهیزات، به صورت علمی با بهره‌گیری از متخصصین مرتبط توسعه یابد و نیروی دریایی با این مزیت ضمن تسهیل در استقرار یگان‌ها و کارکنان به جهت ایجاد انگیزه به منظور حضور کارکنان مجرب سایر مناطق؛ با تجهیزات تولید شده توسط مراکز صنعتی داخلی و کارکنان دانش‌آموخته مراکز علمی داخلی با اطمینان و اقتدار بیشتر ضمن حراست از مرزهای دریایی، منافع کشور را در آب‌های بین‌المللی حراست نماید و به عبارتی سیادت دریایی خود را در جهان اعمال نماید.

با توسعه یافتن مراکز آموزشی عالی، این امکان ایجاد خواهد شد که نیازمندی‌های تخصصی، علمی و مهندسی کشورهای حوزه اقیانوس هند و کشور های همسایه دارای مرز آبی را با تبادل استاد و دانشجو و تجربیات مهندسی و فنی و ... تأمین نمود. البته در صورت ایجاد زیر ساخت های و

بستر مناسب در کلیه ابعاد، ظرفیت پذیرش خدمات فنی و مهندسی و آموزشی کشورهای مورد نظر خصوصا در بخش دریایی اعم از نظامی و تجاری بسیار زیاد است. [۳۰]

۱۱- نقش مراکز آموزش فنی و حرفه ای

کشور به موازات نیاز به علم، به پنجه های کارآمد هم نیاز دارد.
(مقام معظم رهبری)

بدون تردید آموزشهای فنی و حرفه ای به دلیل توأم نمودن آموزشهای نظری و عملی نقش مهمی در تشکیل سرمایه انسانی از طریق تربیت نیروهای ماهر مورد نیاز بازار کار در کشورهای مختلف جهان ایفا می کنند. این آموزش ها در کشورهای در حال توسعه نه تنها عهده دار تربیت نیروی کار مورد نیاز بخشهای مختلف اقتصاد این کشورها می باشند، بلکه از طریق بستر سازی خود اشتغالی، به حل مشکل بیکاری نیز کمک می نمایند. به علاوه، این آموزشها راه میان بری در مسیر تربیت نیروی انسانی نیز به شمار می روند، چرا که از یک سو توجه به بهره مندی این آموزشها از مبانی علمی و استفاده از روشهای پذیرفته شده آموزشهای کلاسیک راه خود را از یادگیری بر مبنای تجربه عملی جدا کرده و از این طریق راه درازمدت و غیر علمی این نوع فراگیری را کوتاه نموده و این توانایی را در آموزش دیده فراهم می کنند تا به تواند خود را در مقابل تغییرات تکنولوژیکی به آسانی هماهنگ نماید. از سوی دیگر این آموزشها با توأم نمودن آموزشهای نظری و عملی این امکان را برای آموزش دیده فراهم می نمایند که همسویی بیشتری با نیازهای بازار کار داشته و از این طریق امکان بیشتری برای جذب آنها در فعالیتهای اقتصادی- اجتماعی فراهم گردد.

این آموزشها همچنین از مزیت بازدهی در کوتاه مدت و یا میان مدت برخوردار می باشند. در حالیکه آموزشهای کلاسیک به دلیل هزینه بالا، طولانی بودن دوره آموزش، سهم زیاد آموزشهای نظری در آنها و در نتیجه بهره مندی اندک از عملیات کارگاهی، از جهت هماهنگی با نیازهای بازار کار و لذا جذب در آن دچار مشکل می باشند. به همین دلیل کشورهای جهان توجه روزافزونی را به آموزشهای فنی و حرفه ای مبدول داشته اند، به طوریکه این آموزشها حتی به درون سیستم آموزشهای آکادمیک این کشورها نیز نفوذ کرده است.

مزیت هایی که برای آموزشهای فنی و حرفه ای مورد اشاره قرار گرفت منوط به وجود برخی شرایط در ارائه این آموزشها می باشد که از آن جمله می توان به ضرورت برنامه ریزی مدون برای این آموزشها، برخورداری از امکانات و تجهیزات کارگاهی مناسب، انتخاب کارآموزان بر اساس تواناییهای عمومی و انگیزه های قوی، استفاده از مربیان مجرب و علاقه مند، سهم مناسب آموزشهای عملی و نظری در این دوره ها و طراحی زمان مناسب برای هر یک از آن ها اشاره نمود. [۳۱]

مراکز آموزش فنی و حرفه ای در سواحل جنوب شرقی کشور همانند سایر نقاط کشور ایجاد شده اند. آنچه مهم است اینکه آیا مراکز مذکور متناسب با نیازهای منطقه ایفای نقش می کنند و از ظرفیت های منطقه خود در توسعه دانش فنی بهره جسته اند؟ پاسخ این سوال مشخص است و طبیعی است که محدودیت ها و محدودیت ها در همه حوزه ها از جمله مراکز آموزش فنی و حرفه ای تأثیر گذاشته است و لیکن مسلم است که در هر شرایطی روند کار مراکز آموزشی بایستی ارتقاء یابد و خروجی مراکز آموزش فنی حرفه ای بایستی به مهمترین معضل این منطقه که فقر آموزش و بیکاری است کمک نماید.

در شرایط فعلی اکثر مردم بومی سواحل جنوب شرقی به مشاغل مشغولند که حاصل تحصیلات دانشگاهی و حتی سطوح پایین تر نبوده و از منظری دیگر می توان گفت توسعه آموزش های فنی و حرفه ای کمک می نماید که مشاغل مربوط به صنایع دستی و خانگی و سایر مهارت های مورد نیاز خصوصا جهت اشتغال بانوان توسعه یابد و این امر باعث افزایش درآمد خانواده ها و همچنین فرصتی است برای ارائه محصولات بومی برای گردشگران و مسافران و تاجران.

نکته مهم دیگر اینکه هر سال تعداد زیادی از جوانان کشور به نیروهای مسلح مستقر در این خطه از کشور جهت خدمت مقدس سربازی اعزام می گردند. تعامل مراکز آموزش فنی و حرفه ای با نیروهای مسلح باعث می گردد که سربازان وظیفه فرصت طی آموزش های فنی و حرفه ای مورد نیاز خودشان پیدا نموده و همزمان با اتمام خدمت سربازی، مدارک فنی و حرفه ای که یکی از ملزومات اشتغال بوده را نیز دریافت و پس از خدمت در بخش کارآفرینی و یا اشتغال در صورت مختلف بهره برداری نمایند.

مطلب بعد اینکه خانواده های کارکنان نیروهای مسلح مستقر در این منطقه نیز ظرفیت بسیار بالاییست برای مراکز آموزشی فنی و حرفه ای جهت ارتقاء سطح مهارت افراد علاقه مند خصوصا افرادی که امکان انجام فعالیت های مربوط به مشاغل خانگی هستند. البته در هر دو مورد فوق فعالیت ها در حال انجام است و لیکن نیاز است که مراکز آموزش فنی و حرفه ای خصوصا در بخش تجهیزات کمک آموزشی و مربیان توسعه کیفی یابند.

۱۲- ضرورت توانمند سازی کارکنان و مدیران در همه سطوح ادارات مستقر در سواحل مکران

مقام معظم رهبری در این باره می فرماید:

"من می گویم ظرفیت توانایی های نیروی انسانی در همه موارد- که این تجربه ی سی ساله بند است در مدیریت های گوناگون- می تواند جبران کننده بسیاری از کمبود ها باشد. یک جا اعتبار نیست. می توان کمبود اعتبارات را با کیفیت دادن به مدیریت جبران کرد. در نگاه اول ممکن است مشکل یا نشدنی به نظر بیاید؛ اما عملی است، شدنی است؛ این ها را ما تجربه کرده ایم؛ هم در جنگ تجربه کرده ایم و هم در مسائل گوناگون بخشهای مختلف کشور تجربه شده . اگر می خواستیم با همان نگاه اول نگاه کنیم، خیلی چیزها را اول انسان با یک نگاه ساده از دست رفته می پنداشت؛ بعد که انسان وارد کار شد، دید نه، می توان، می شود. اعتبار نیست، منابع نیست، اما قدرت مدیریت هست، عقل هست، صرفه جویی هست." (مراسم الحاق ناوشکن ج.ا.ا. جماران ۸۸/۱۱/۳۰)

بعد از اینکه آموزش های پایه در مدرسه و دانشگاه و مراکز آموزشی انجام شده و نیروی کار وارد بازار کار اعم از دولتی و خصوصی، صنعتی و خدماتی و ... شد آیا نیازی به آموزش ندارد؟

در گذشته چنین گمان می رفت که زمان آموختن با زمان کارکردن و زندگی کردن از هم جدا هستند و بنابراین برای آنها آموزشی در خور توجه بود که پیش از آغاز کار به افراد داده می شد. بر این گمان انسان برای زمانی می آموزد و سپس به زندگی و کار مولد و سودمند می پردازد و زمانی که کار و زندگی آغاز می شود، دیگر برای آموزش و پرورش جایی در خور توجه وجود ندارد. این اندیشه اکنون روایی ندارد و آموزش و پرورش با زیستن انسان همراه شده است. همه مردم برای همه وقت باید به آموختن بپردازند و از تازه های دانش بشری خود را تازه سازند و با نیرو و آگاهی بیشتر زندگی سودمند را دنبال کنند.

رسیدن به اهداف سازمان بستگی به توانایی کارکنان در انجام وظایف محوله و انطباق با محیط متغیر دارد. اجرای آموزش و بهسازی نیروی انسانی سبب می شود تا افراد بتوانند متناسب با تغییرات سازمانی و محیط، بطور مؤثر فعالیتهايشان را ادامه داده و بر کارایی خود بیفزایند. بنابراین آموزش و بهسازی، کوشش مداوم و برنامه ریزی شده به وسیله مدیریت برای بهبود سطوح شایستگی کارکنان و عملکرد سازمانی است. در حال حاضر آموزش ضمن خدمت کارکنان در سازمان های مختلف از جایگاه خاصی برخوردار است زیرا در چند دهه اخیر بیش از هر دوران دیگر در طول تاریخ بشری، علوم و تکنولوژی پیشرفت نموده است این تحول و دگرگونی بحدی است که عصر حاضر را عصر نیم عمر اطلاعات نامیده اند. یعنی دورانی که در هر ۵ سال، نیمی از اطلاعات بشری منسوخ گردیده و اطلاعات و دانش جدید جایگزین آن می گردد حدود نیمی از مشاغلی که امروز در بسیاری از کشورها می بینیم در پنجاه سال پیش، وجود نداشته است. تغییر چندباره فعالیت حرفه ای در طول عمر کاری، برای مردم روز به روز عادی تر می شود. این احتمال که فرد جوانی مهارتی را بیاموزد و آن را تا حدود سی سال کار خود بدون تغییر بنیادی ادامه دهد دیگر بسیار ضعیف، یا به کلی محال است. در جامعه ای که به سرعت در حال دگرگونی است آموزش کارکنان نه تنها مطلوب است بلکه فعالیتی است که هر سازمانی باید برایش منابعی را در نظر بگیرد تا همواره منابع انسانی کارآمد در اختیار داشته باشد.

بررسی ها نشان داده است که آموزش کارکنان منجر به حفظ تداوم و بقای سازمان شده است، یک بررسی سه ساله در سنگاپور نشان داده است که ۱۷ درصد شرکت های تجاری و صنعتی این کشور ورشکست شده اند در حالی که این نسبت در مورد شرکت هایی که برنامه آموزش کارکنان را انجام داده اند کمتر از ۱ درصد بوده است. همچنین طبق آمار انجمن مدیریت آمریکا تا سال ۲۰۰۰ هفتاد و پنج درصد همه کارگران کنونی آن کشور نیاز به بازآموزی داشته اند. در کشور سوئد نیز برای پاسخگویی به چنین دگرگونی هایی سیاست فعال نگهداشتن نیروی انسانی را در پیش گرفته و سالانه ۲ تا ۳ درصد از تولید ویژه ملی خود را برای بازآموزی صاحبان مشاغل هزینه می کند. از این رو پندار سنتی که دوره کودکی، نوجوانی و جوانی را تنها برای آموختن می داند منسوخ گردید و اکنون تنها با یادگیری پیوسته و پایدار می توان با دگرگونی های فن شناختی و سرشت اشتغال در جامعه متحول سازگار و همراه شد.

از پژوهش های به عمل آمده چنین به دست می آید که عمر سودمند دانش مهندسی فرهیختگان دانشکده مهندسی از آغاز به کار برابر شانزده ماه است. پس از این زمان آنان باید به آموزش های تکمیلی و ضمن خدمت روی آورند. در برخی از بنگاه های پژوهشی ارزش معتبر برای گواهینامه های علمی دانشگاهی تنها سه تا پنج سال است. هرگاه دارندگان این گواهینامه ها پس از سه تا پنج سال آموزش خود را دنبال نکنند از ارزش علمی آموزش های پیشین آنان کاسته خواهد شد.

آموزش همواره به عنوان وسیله ای مطمئن در جهت بهبود کیفیت عملکرد و حل مشکلات مدیریت مد نظر قرار می گیرد و فقدان آن نیز یکی از مسائل اساسی و حاد هر سازمان را تشکیل می دهد. بدین جهت به منظور تجهیز نیروی انسانی سازمان و بهسازی و بهره گیری هر چه مؤثرتر از این نیرو، بی شک آموزش یکی از مهمترین و مؤثرترین تدابیر و عوامل برای بهبود امور سازمان بشمار می رود. لازم به تذکر است که آموزش یک وظیفه اساسی در سازمانها و یک فرآیند مداوم و همیشگی است و موقت و تمام شدنی نمی باشد. کارکنان در هر سطحی از سطوح سازمان، اعم از مشاغل ساده یا مشاغل پیچیده - مدیر یا زیردست - محتاج آموزش و یادگیری و کسب دانش و مهارت های جدید هستند و باید همواره برای بهتر انجام دادن کار خود از هر نوع که باشد، روشها و اطلاعات جدیدی کسب نمایند و مضافاً اینکه هر وقت شغل کارکنان تغییر پیدا کند، لازم است اطلاعات و مهارت های جدیدی برای ابقای موفقیت آمیز وظایف شغل مربوطه را فرا بگیرد

برنامه‌های آموزش کارکنان در یک سازمان می‌تواند نیاز به نیروی انسانی متخصص در آینده را نیز رفع کند و تضمینی برای حل مشکلات کارکنان باشد. بنابراین چنانچه کارکنان یک سازمان خوب آموزش ببینند بهتر می‌توانند در ارتقاء سطح کارایی سازمان سهیم باشند و سرپرستان و مدیران به نظارت زیاد در مورد زیردستان خود نیاز نخواهند داشت و در عین حال می‌توانند آنها را برای احراز مشاغل بالاتر و پرمسئولیت آماده سازند، زیرا کارکنان در پرتو آموزش صحیح است که می‌توانند وظایف خود را به نحو مطلوب انجام دهند. [۳۲]

۱۳- ضرورت بازنگری و توسعه نظام آموزشی مدارس، دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی فنی و حرفه‌ای کشور در راستای توسعه بخشیدن تا دورترین نقطه از کشور

به نظر می‌رسد یکی از دلایلی که باعث گردیده توسعه در سطح کشور به صورت یکنواخت و عادلانه صورت نگیرد و محرومیت‌ها در برخی از نقاط کشور برغم برخورداری از ظرفیت‌ها و موهبت الهی، بسیار زیاد است، ضعف در نظام آموزشی کشور است و لذا بخش انتهایی مقاله به بررسی این موضوع اختصاص می‌یابد.

همانگونه که می‌دانیم، کشور عزیز ما با کشور ژاپن تقریباً همزمان با علوم جدید و راه و رسم آموزش به روش نو، در مغرب زمین آشنا شد. کشور ژاپن به لحاظ الگوبرداری درست از غرب و با تکیه بر سنت‌های اصیل ملی، کار خود را از آموزش شروع کرد. در دور افتاده‌ترین روستاها، با همکاری مردم، به طور جدی، مدارس ابتدائی را تأسیس و گسترش داد. معلمان این مدارس برای تدریس علوم از روش «یادگیری با عمل» بهره جستند. بدین معنا که دانش‌آموزان را وادار ساختند، با اجرای آزمایش، پدیده‌های طبیعی را تجزیه و تحلیل و تفسیر نمایند و لذا موفق شدند با عشق و ایمان و علاقه و کوشش خستگی‌ناپذیری، بر مشکلات خود چیره شوند.

همگان، در این فکر بودند که، با حداقل هزینه، قناعت فردی و جمعی، بیشترین درخند آموزش و پرورش جامعه خود قرار گیرند. همه هماهنگ با تلقی و برداشتی درست و عمیق و هم‌راستا و هم‌سو برای بهبود کیفیت آموزش گام برداشتند، برای خانه‌های مسکونی خود حداقل و برای مراکز و موسسات آموزشی در همه سطوح مدارس حداکثر وسعت را در نظر گرفتند. در آموزش از روش شاگرد محوری بهره گرفتند. همه چیز را در اختیار مراکز و موسسات آموزشی در همه سطوح مدرسه و معلم و دانش‌آموزان قرار دادند، برای محیط آموزشی قداست ویژه‌ای قائل شدند. به دانش‌آموز شخصیت و مسئولیت را به طور یکسان تفویض کردند، آموزش علوم با اجرای آزمایش بوسیله دانش‌آموز توأم شد. دانش‌آموز را به طور مستقیم و غیر مستقیم با طبیعت و قوانین موجود در طبیعت تماس دادند. دانش‌آموزان را در اداره مدرسه و کلاس شریک کردند. و آموزش نظری با عملی به گونه‌ای همگام و همراه شد که در مدت کوتاهی توانستند، علوم که مبنای اساس صنعت و تکنولوژی است به طور چشمگیری تقویت کنند. مسئولان سیاسی و علمی و فرهنگی ژاپن بارها گفته‌اند، که: «برخلاف آنچه عده‌ای تصور می‌کنند، ما ابتدا از توسعه‌ی آموزشی و علمی شروع کردیم و بعد به توسعه اقتصادی دست یافتیم»، در واقع مبنای اصلی توسعه اقتصادی ژاپن «توسعه آموزشی» است.

متأسفانه دیر زمانی است که به علوم طبیعی توجه و عنایت چندانی نشده و بیشتر وقت گرانبه در مباحث و مسائل نقلی صرف شده است. لذا کشور نتوانست، شخصیت‌های برجسته‌ای همچون: ابن سینا - محمد بن موسی خوارزمی - ابوریحان بیرونی - جابر بن حیان - رشیدالدین فضل‌ا... و شیخ بهائی... را (که در علوم طبیعی نیز تخصص داشتند) به جامعه عرضه کند.

از سوی دیگر وقتی زمامداران امیرکبیر بنیانگذار دارالفنون را از صحنه بیرون کردند، هدف‌های اصلی او را نیز فراموش کردند. در کشور ما علوم طبیعی تدریس شد، اما بدون اجرای آزمایش!! دروسی مانند فیزیک، شیمی و زیست‌شناسی و زمین‌شناسی به جای این که در طبیعت تدریس شود و دانش‌آموز با چشم خود ببیند، با دست خود لمس کند، با مغز خود بیندیشد و با قلب خود اطمینان پیدا کند- (بجز موارد استثنائی)- در کلاس‌های در بسته بدون تماس با خود طبیعت که موضوع درس است، مانند قصه و داستان تدریس شد.

در مغرب زمین، شاگرد و معلم با کار و کوشش و تلاش شبانه‌روزی، در آزمایشگاه‌های کوچک و بزرگ، قوانین طبیعی را با روش علمی کشف کردند، و آنرا بسط دادند که به صورت کاربردی درآوردند و بدین ترتیب مبنای صنعت و تکنولوژی خود را استحکام بخشیدند. هر روز با آزمایش جدیدی در رشته‌های مختلف علوم، به حقایق تازه‌ای دست یافتند. با وسواس علمی و دقت فراوان باد و باران، زمین و آسمان، ماه و ستارگان، دشت و بیابان، کوه و کوهستان، صحرا و درختان، حیوان و انسان و... را مطالعه کردند و بر کره زمین استیلا یافتند و راهی فضا شدند.

مواد خام را در اینجا و آنجا شناسایی و آزمایش کردند. مزارع و کشتزارها، دریاها و اقیانوس‌ها، موزه‌ها و کتابخانه‌ها را در اختیار دانش‌آموزان خود قرار دادند. و از ایشان خواستند تا با بررسی طبیعت، شخصاً قوانین را کشف و با آزمایش و روش‌های علمی قوانینی که قبلاً به وسیله دانشمندان کشف شده بود دوباره بررسی و تحقیق و صحت درستی آن را تأیید و با رد آن قانون جدیدی وضع یا آن را کامل نمایند.

گاهی کلاس دانش‌آموزان در کنار برکه آب یا رودخانه و مزرعه تشکیل می‌شد و هردانش‌آموزی برای خود با کمک چند ابزار ساده مانند ذره بین، آئینه، قیچی، نیروسنج، قطب‌نما، آهن ربا و... از همان دوره ابتدایی روش بررسی طبیعت را می‌آموخت با این روش دروس و مطالب آموزشی مستقیماً از نوک انگشتان به مغز انتقال می‌یافت. بدین ترتیب رموز عالم را به طوری نسبی کشف کردند و هزاران وسیله را تولید، و صدها بیماری را علاج درمان کردند. چهره جامعه تغییر و پیشرفت‌های حیرت‌انگیزی در تمام شاخه‌ها صورت پذیرفت.

ما در حق دانش آموزان خود که از خوش استعدادترین، دانش آموزان جهان می باشند. کوتاهی کردیم استعدادهای ایشان را تباه ساختیم. مستقیم ترین راه تدریس علوم را که روبرو کردن دانش آموز با پدیده های طبیعی است، رها ساختیم و از دانش آموزان خود خواستیم که فقط عبارتی که قانون را بیان می کند، از بر کنند و ظاهراً به همین یادگیری طوطی وار بسنده کردیم و خوشحال شدیم که دانش آموزان ما نیز قانون طبیعی را می دانند. در حالی که این یک خیالبافی محض بود. از بر کردن یک عبارت با درک و فهم و تجزیه و تحلیل و اظهارنظر درباره یک پدیده طبیعی بسیار متفاوت است. همان گونه که مونتاژ کردن یک تلوزیون با اختراع آن بسیار فرق می کند.

برای آن که بتوانیم جبران گذشته را کنیم، هیچ راهی نداریم، جز آنکه در نظام آموزشی یک انقلاب عملی در همه حوزه ها (برنامه و محتوا - فضا- تجهیزات- کادر آموزشی و ...) به وجود آوریم. باید حصارهای قطور - مستحکم و آهنین و غیر قابل نفوذی که بین کلاس درس و طبیعت در مدارس ما کشیده شده است منهدم کنیم کلاس علوم را در طبیعت بر پا کنیم. با عمل و اجرای آزمایش و با اشاره به پدیده های طبیعی درس بدهیم، و از دانش آموزان نیز بخواهیم با اجرای آزمایش و عمل و ساختن وسائل ساده و ارزان قیمت که قانون طبیعی را نشان دهد، درس را پس بدهند. نمره امتحان تنها به عملی تعلق گیرد که نشان می دهد دانش آموز قانون معینی را درک و قدرت تجزیه و تحلیل آن را پیدا کرده است. اکنون که در دانشگاه های ما در پاره ای از رشته ها - بخصوص دبیرستان شروع کنیم زیرا محققان آینده کشور ما کسانی هستند که اکنون در مدارس ابتدایی آموزش می بیند.

برای این کار به یک بسیج عمومی و مشارکت اجتماعی نیازمندیم، به مردم اعلام کنیم که از این پس نمی خواهیم نفت خود را به ثمن بخش بفروشیم، نمی خواهیم معادن غنی و سرشار خود را با بهائی ناچیز در اختیار بیگانگان قرار دهیم و ... بلکه می خواهیم نفت خود را به وسیله کارشناسان و مهندسان ایرانی شناسایی استخراج و تصفیه کرده و با آن تبدیل به مواد قابل عرضه در بازارهای جهانی عرضه کنیم. هیچ سؤال کرده ایم که به چه دلیلی معادن سیلیس خود را با ارزان ترین قیمت به بیگانگان بفروشیم و عدسی های گوناگون را با گرانترین قیمت وارد می کنیم؟ آیا تا به حال از خود سؤال کرده ایم که چرا باید هزاران تن مواد خام به خارج صادر و مواد مصرفی ابتدایی را از خارج وارد کنیم؟ آیا حیف نیست ملتی که دارای استعدادهای درخشان و معادن سرشار و آب و هوای مناسب (حدود ۴۵ درجه اختلاف دما در یک شبانه روز) می باشد ، فقر و محرومیت داشته باشد؟

پاسخ این سؤال و ده ها سؤال دیگر در شؤون زندگی اجتماعی و فردی را باید در آموزش و پرورش پیدا کرد. در آموزش و پرورش افراد جامعه در کلیه سطوحی از مدرسه تا دانشگاه باید یک راست به سراغ معلم و روش تدریس رفت.

معلمان، کودکان (۷- ۶) ساله را به عنوان ورودی سیستم تحویل می گیرند و پس از ۱۲ سال آموزش از سیستم خارج می کنند، اگر روش تدریس معلم آمیخته با تحقیق و پژوهش، آزمایش و تجربه و در ارتباط با مسائل خانوادگی اجتماعی - اقتصادی، فنی و صنعتی و کشاورزی، خدماتی باشد. اگر معلم با استفاده از وسائل دیداری، شنیداری و وسائل آزمایشگاهی، بازدیدهای علمی و نیز با برخوردی صحیح (جذاب - هدایت گر- محبت آمیز- از روی رفق و مدارا و سلامت نفس و ...) آموزش دهد، و اگر معلم از امکانات موجود حداکثر بهره برداری را بنماید و البته اگر معلم به خلق و خوی معلمی آراسته و در عین حال از نظر زندگی تأمین باشد، می توان انتظار داشت که وظیفه خود را به خوبی انجام دهد، تا گام های اولیه در راه تربیت نسل نو برای تحقیق پژوهش برداشته شود.

لذا همه باید به معلم و مدرسه کمک کنیم تا بتواند رسالت بزرگ خویش را به انجام برساند می دانید که معلمان در کشورهای شرقی در بین خوش استعدادترین، علاقه مندترین و آگاه ترین و دلسوزترین دانش پژوهان انتخاب می شوند و پس از کسب آموزش های نو و مناسب راهی کلاس می شوند.

کشورهای پیشرفته در ابتدای رونق علوم در کشور خود، شخصاً برای تدریس این شاخه وسیله آزمایش طراحی کردند، به کمک وسائل ارزان قیمت آزمایشگاه درست کردند چون جایی برای تقلیدناشدند، روی پای خود ایستادند و مدارس خود را از هر نظر منجمله روش تدریس نو تجهیز کردند.

شیگه کی کادو یا متخصص علوم پایه در وزارت آموزش و پرورش ژاپن می گوید: « هدف ما تنها تربیت یک انسان حقیقی و خلاق می باشد، می خواهیم دانش آموزانی تربیت کنیم که کاوشگر باشند، خود به تنهایی فرضیه ها را طراحی کنند و با به کارگیری خلاقیت ذهنی خود سنت تقلید و دنباله روی را زیر پا گذارند. »

سال هاست که آموزش علوم در ژاپن از طریق آزمایش های عملی پیگیری می شود و دانش آموزان نه با خواندن کتاب های درسی بلکه با استفاده از میزهای آزمایشگاهی قوانین طبیعی را فرا می گیرند از دانش آموزان خود می خواهند تا خود به پژوهش و تحقیق بپردازند و این کار تحقیقی از همان دوره ابتدایی آغاز می شود و در همه زمینه ها از جمله ادبیات توسعه می یابد.

ایشان کتابخانه را آزمایشگاه و مرکز تحقیقات دروس ادبیات قرار داده اند، معلم فهرستی از کلمات را به دانش آموزان می دهد از آن ها می خواهد مفاهیم، معانی، مترادف ها، متضادهای این کلمات را خود شخصاً با مراجعه به کتب مختلف در کتابخانه ها پیدا کنند. نوشتن شرح حال نویسندگان و شاعران برجسته و... از تکالیف تحقیقی دانش آموزان است.

در زمینه تحقیق و پژوهش هر قدمی که برمی داشتند، طبیعت هم چند قدم به ایشان نزدیکتر شد، زیرا همانطوری که می دانید، طبیعت اسرار خود را در گوش دانشمندان، محققان و پژوهندگان زمزمه می کند. و دانشمندان و محققان می باشند که این زمزمه ها را تقویت می کنند، ده ها بار اشاره های طبیعت را تجزیه و تحلیل و می نمایند. مجهول را به معلوم تبدیل می کنند و به زبان علم و «زبان ریاضی» می نویسند و از اسرار طبیعت که موهب الهی است بهره برداری می کنند.

دانشمند انگلیس فرانسویس بیکن و حکیم فرانسوی رنه دکارت کوشیدند که اصولی را به دست دهند که کشف مجهولات میسر گردد، دستورات بیکن تقریباً روی تجربه و مشاهده تأکید دارد در حالی که دکارت بیشتر روی روش درست به کار بردن عقل تکیه دارد.

این دو کوشیدند دانش پژوهان را ترغیب کنند که در راه کسب معرفت با پای خود گام بردارند و به عصای دیگران تکیه نکنند.

تحقیقات علمی رنه دکارت بیشتر تفکر و تجربه شخصی بود، چنانچه خود او گفته است «همواره کتاب جهانی را مطالعه می کرد، کار او سیر تأمل در آثار طبیعت و چگونگی خلقت بود، یکی از دوستانش حکایت کرده است که روزی به دیدن او رفته بودم، خواهش کردم کتابخانه خود را به من نشان دهد، او مرا به پشت ساختمان برد، دیدم گوساله ای را پوست کنده برای تشریح آماده کرده بود، گفت: بهترین کتابها که غالباً مطالعه می کنم از این نوع کتاب ها است.

روش بیکن مشاهده و تجربه و جمع آوری مواد بود، او معتقد بود برای استخراج قواعد باید نهایت دقت و تأمل را بکار برد و به نقل قول و روایت اعتماد کرد. بلکه فرد شخصاً باید به مشاهده و تجربه و تحقیق بپردازد و در استخراج کلیات نیز نباید شتابزده عمل کند. در موقعی که فرد مشغول تجربه می شود، نباید به حافظه خود اعتماد کند باید نتایج مشاهدات خود را ثبت نماید و سپس طبقه بندی کرده و جدول های مناسبی را تنظیم سپس به نتیجه گیری بپردازد در نتیجه گیری نیز می گوید: پس از تأمل بسیار و زیر و رو کردن مواد جمع آوری شده، آنچه به راستی با واقعیت مطابق و قابل استفاده است می گیریم و باقی را دور می اندازیم و هرگز در مسیر علم شتاب و بلند پروازی نمی کنیم.

البته می دانید که مردم اروپا کم کم از خواب بیدار شدند روش های جدید را در کسب علوم و فنون به کار گرفتند غیر از کشاورزی به صنعت هم روی آوردند و در این راه پیشرفت فوق العاده ای کردند. صنوعات زیادی را تولید و سپس به فکر افتادند که مواد خام را از کشورهای دیگر وارد کنند و معادن خود را حفظ کنند در چاههای نفت خود را بستند و نفت دیگران را به ارزان ترین قیمت خریدند بدین ترتیب کشورهای دیگر مخصوصاً کشورهای جهان سوم، عقب مانده و مسلمان را هدف قرار دادند، منابع ایشان را غارت کردند و صنوعات خود را با قیمت های گزاف به همان ملت های غارت شده تحمیل کردند.

این بیداری مغرب زمین از زمانی شروع شد که، در خواب رفتیم، به خود مشغول شدیم و به وسیله یادی استعمار (دشمنان دانا) و دوستان نادان گاهی به آخرت گرایی مطلق دعوت می شدیم ناصرالدین شاه امتیاز احداث راه آهن و... بهره برداری از کلیه معادن و منابع (به جز طلا و نقره و سنگ های قیمتی) و بهره برداری از جنگل ها و احداث قنات و کانال های آبیاری به مدت ۷۰ سال و اداره گمرکات و حق صدور همه نوع محصولات به ایران به مدت ۲۵ سال به یک نفر یهودی انگلیسی به نام «بارون جولوس دوریتر» سپرد. باری ایران اسلامی ما از جمله کشورهای ستمدیده است. [۳۳]

۱۴. نتیجه گیری

۱۴،۱. دریا برای ملت ها عامل مهم زندگی است و هیچ کشور ساحلی نیست که منافعی در دریا نداشته باشد. مردمی که از دریا دورند، فاقد یکی از مهم ترین مبادی ارتباطی باندنیای خارج خود هستند. اقتصاد اینگونه ملت ها به سختی، آهستگی و کندی پیش می رود. دریا در رشد و زندگی اقتصادی ملت ها اهمیت حیاتی دارد. منافع کشورهای صاحب دریا ارتباطی مستقیم با خواسته ها، نیازها، توانایی ها و فرهنگ آنها دارد و در واقع سیاست دریایی آن کشورها را عینیت می بخشد.

۱۴،۲. کشور ج.ا.ا به دلایل اشاره شده در بخش دوم مقاله، کشور دریایی محسوب می شود. با توجه به موقعیت استراتژیک ایران در منطقه شمال اقیانوس هند و گستره ساحلی مکران، استفاده از این جایگاه ویژه، مستلزم برخورداری از قدرت دریایی است که ناوگان نظامی، ناوگان تجاری و توانمندی علمی و صنعتی سه ضلع مثلث قدرت دریایی کشور را تشکیل می دهد و مبدا و محل استقرار و شروع فعالیت اضلاع قدرت دریایی از سواحل مکران شروع می شود.

۱۴،۳. حضور مقتدرانه در آبهای آزاد دنیا در گرو مطالعات اقیانوس شناسی است و اقتدار دریایی منوط به همکاری همه مراکز صنعتی و علمی کشور در ساخت تجهیزات خصوصاً تجهیزات راهبردی و همچنین آموزش کارکنان نیازمند است.

- ۱۴،۴. با توجه به پیچیده و تخصصی بودن تجهیزات، امروز جنگ در دریاها، جنگ علم است. پس می‌توان گفت برای حفظ اقتدار کشور در عرصه دریا حرف اصلی را علم می‌زند.
- ۱۵،۱. مشکلات عمده‌ای که قدرت‌های بزرگ طی سال‌های اخیر به‌خاطر نفت و سلطه بر منطقه غرب آسیا و در محدوده شمال اقیانوس هند ایجاد کرده‌اند، حضور ایران را در این منطقه می‌طلبد در جهت:
- تقویت نیروی دریایی از نیروی دریایی آب‌های ساحلی (Coastal Navy) به نیروی دریایی آب‌های عمیق (Blue Navy) به عنوان دست بلند و شمشیر بلند در حفظ منافع کشور و یا اعمال سیادت دریایی در اقصی نقاط عالم.
 - مبارزه جدی و مستمر با تروریسم دریایی (با رویکرد دزدی دریایی) در محدوده اقیانوس هند، خلیج عدن و تنگه باب‌المندب جهت حفظ و توسعه تجارت و معیشت دریایی؛
 - برافراشته شدن پرچم پرافتخار ج.ا.ا. در دریاها دور دست با حضور قدرتمند نیروی دریایی ارتش ج.ا.ا. در این مناطق؛
 - تأمین امنیت خطوط مواصلاتی نزدیک و دور دست ج.ا.ا.
- ۱۴،۵. توسعه فرایندی هدفدار است که به وسیله انسان آغاز می‌گردد و هدف آن بهبود بخشیدن به شرایط زیستی کلیه افرادی است که در یک جامعه زندگی می‌کنند.
- ۱۴،۶. بپذیریم سواحل مکران سواحل است بکر و لیکن محروم و در ابتدای حرکت به سمت توسعه، زیرا هنوز نتوانسته ایم خیلی از محرومیت‌ها و مشکلات این منطقه از کشور (کمبود زیر ساخت‌های آموزشی و فرهنگی - حمل و نقل - اقتصاد - معضلات ناهنجاری‌های اجتماعی خصوصاً در بخش اعتیاد و مواد مخدر) و قاچاق کالا و ... را رفع کنیم.
- ۱۴،۷. در شرایط فعلی اکثر مردم بومی سواحل جنوب شرقی به مشاغل مشغولند که حاصل تحصیلات دانشگاهی و حتی سطوح پایین‌تر نبوده و از منظری دیگر می‌توان گفت توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای کمک می‌نماید که مشاغل مربوط به صنایع دستی و خانگی و سایر مهارت‌های مورد نیاز خصوصاً جهت اشتغال بانوان توسعه یابد و این امر باعث افزایش درآمد خانواده‌ها و همچنین فرصتی است برای ارائه محصولات بومی برای گردشگران و مسافران و تاجران.
- ۱۴،۸. با توجه به اینکه بخش اعظمی از کارکنان نیروهای مسلح را کارکنان وظیفه تشکیل می‌دهد و از طرفی به جهت تخصصی بودن نیروی دریایی، برخورداری از نیروهای وظیفه متخصص و ماهر و با بینش و دانش در توان رزمی نیروی دریایی بسیار موثر است و زمینه توانمندی آنان نیز در مدارس برای سربازان وظیفه و در دانشگاه برای افسران و درجه داران وظیفه شکل می‌گیرد.
- ۱۴،۹. سواحل مکران دارای ظرفیت‌های زیادی اعم از علمی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی، ورزشی، صنعتی، گردشگری و ... بوده و لذا با شناسایی این ظرفیت‌ها در همه حوزه‌ها، توسعه سواحل مکران به صورت دقیق‌تری برنامه ریزی و انجام خواهد شد و با تحقق این امر زمینه حضور و مشارکت سایر کشورها را نیز فراهم می‌یابد.

۱۵. پیشنهادها:

- ۱۵،۱. با توجه به فرمان حکومتی مبنی بر توجه به منطقه جنوب شرق کشور خصوصاً توسعه شهرهای بندری کنارک و چابهار از سوی رهبر معظم انقلاب - که مغفول عنه مانده - می‌طلبد در اجرای بموقع طرح‌هایی که در سفر معظم له و ریاست محترم جمهور مصوب گردیده؛ با تلاش مضاعف مسئولان کشور و مدیران استان و شهرستان اهتمام ویژه به عمل آید.
- ۱۵،۲. کسب اطلاعات کافی از دریا، فرهنگ‌سازی و هدایت مردم به دریا، توسعه مدنیت در نوار ساحلی، توجه کلان به مطالعات دریایی، توسعه آموزش و پژوهش و تربیت نیروی انسانی متخصص، گسترش همکاری دانشگاه و صنعت و نیروی دریایی و در نهایت تغییر رویکرد از راهبرد بری به راهبرد بحری و توجه به دریاها به عنوان محور توسعه را می‌توان از جمله راهکارهای تبدیل شدن ایران به قدرت برتر دریایی عنوان کرد.
- ۱۵،۳. کار در منطقه جنوب شرق کشور و خصوصاً سواحل مکران و به ویژه دریای عمان دشوارتر از گذشته و بسیار مهم است زیرا امروز دشمن ما، فلان کشور همسایه خلیج فارس نیست. دشمنی که احتمال حمله و تهدید او وجود دارد، دشمنی است که در اقیانوس‌ها گسترش یافته است. بنابراین، کار بسیار مهم است. با توجه به این اهمیت، بایستی نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران، برنامه‌ریزی و تحرک خود را با این شرایط جدید تطبیق دهد و نیازمند مساعدت و همکاری همه ظرفیت‌های کشور چه در بخش منطقه‌ای و چه در بخش ملی در جهت استقرار مناسب و مقتدر در سواحل مکران و حضور در آب‌های بین‌المللی دارد
- ۱۵،۴. شدیداً باور داشته باشیم که می‌توان با بهره‌گیری صحیح از امکانات خود و با جهاد و تلاشی و کوششی شبانه روزی و توکل بر خدای دانا و توانا، گذشته را جبران نموده و به کشوری پیشرفته رسید. بدانیم که چند عملی جراحی شگفت‌انگیز که در نقاط مختلف کشور به وسیله جراحان زبردست ما انجام می‌گیرد و نیز درخشیدن چند دانش‌آموز در المپیادهای فیزیک، ریاضی، شیمی، کامپیوتر در سطح جهان گرچه موجب افتخار ملی و مذهبی ما است اما دلیل بر پیشرفت پزشکی یا آموزشی فراگیر در کشور، نیست، بلکه وقتی در این زمینه‌ها پیشرفت کرده ایم که، بهداشت

عمومی در همه نقاط کشور تا آنجا بالا رود که محیط کوچه و خیابان و دشت و جنگل و رود و کوه غیر و بهداشتی و عاری از میکروب گردد و آمار بیماران به شدت نقصان پذیرد. و در عوض بیمارستان های مجهز در همه نقاط کشور تأسیس کنیم و نیز در زمینه آموزش نیز افرادی ماهر، متخصص و دارای بینش علمی بالا تربیت کنیم تا قادر باشند دانش خود را در حل مسائل فرهنگی، فردی و اجتماعی، فنی و صنعتی و توسعه کشور به کار گیرند.

۱۵،۵. قوه دفع را به قوه جذب تبدیل کنیم و همه را برای کار بیشتر و تولید اندیشه و فکر قوی تر، جدیدتر و برتر تشویق کنیم. در هر کاری از متخصصین همان رشته بهره گیری کنیم که حضرت علی علیه السلام فرمودند: «واستعینوا فی کل صناعه باهلها» یعنی در هر کاری خصوصاً در بخش مدیران از متخصص آن بهره بگیرید.

۱۵،۶. اختلاف سلیقه را در روشها و مدیریت ها یک مسئله عادی و طبیعی تلقی کنیم و بدانیم در فعالیت های گروهی تحمل آراء مخالفین اولین شرط همکاری و همگانی با دیگران می باشد. همه همگام و همدل برای رسیدی به اهداف نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در این منطقه از کشور کوشا باشیم.

۱۵،۷. بدانیم تنها و تنها در سایه تربیت و آموزش و با برخورداری از منابع انسانی متخصص، متعهد، مومن، نیرومند و سایر ویژگی های مورد نظر در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران می توانیم صاحب همه چیز بشویم و بر عکس اگر همه چیز داشته باشیم و فاقد نهادهای آموزشی و تربیتی و نظام آموزشی صحیح و به عبارتی فاقد سرمایه انسانی کارآمد باشیم، همه چیز را از دست خواهیم داد.

۱۵،۸. تحقیق کنیم که چه میزان دانش آموختگان دانشگاه و مراکز آموزش فنی و حرفه این منطقه پس از خاتمه تحصیل در راستای تخصص خود مشغول اشتغال شده است و چند درصد آن ها بومی هستند؟ و نتایج تحقیق را جهت بهبود وضعیت و تصحیح برنامه ها اعمال نماییم.

۱۵،۹. متناسب سازی رشته های دانشگاه ها و مراکز آموزشی با ظرفیت های این منطقه اند. به عنوان مثال کار مردم این استان در سواحل مکران بیشتر صیادی هست و بیشترین ظرفیت تجارت از طریق دریا هست چقدر این مراکز آموزشی کمک کرده اند که مردم این خطه با تخصص بیشتر به معیشت بپردازند؟.

۱۵،۱۰. یکی از ظرفیت های مهم سواحل مکران، برخورداری از خلیج ها و سواحل بکر مستعد برای پرداختن به آموزش تخصص ها دریایی و ورزش های آبی (غواصی- اسکی روی آب- قایقرانی- شنا و ...) بوده که فراهم نمودن زیر ساخت های مورد نیاز و همچنین راه اندازی این آموزش ها با کمک نیروی دریایی و سایر ارگان ها و مراکز آموزش دریایی زمینه توسعه خصوصاً در بخش پذیرش گردشگر داخلی و خارجی را فراهم خواهد کرد.

۱۵،۱۱. برای دستیابی به اقتدار دریایی و حفظ امنیت و منافع ملی در حوزه دریاهای، برنامه های راهبردی برای توسعه آموزش عالی کشور و پژوهش هدفمند در حوزه های مختلف خصوصاً علوم و فنون دریایی و اقیانوسی تدوین و اجرایی شود.

۱۵،۱۲. در خصوص پیگیری و حل مشکلات منطقه و تأمین نیازمندی های مرتبط با تحقق کامل اقتدار دریایی ج.ا.ا. مشارکت ملی انجام پذیرد و بر فعالیت های روند حرکت در توسعه نظارت بعمل آید.

۱۵،۱۳. در کلیه حوزه های دریایی از جمله زیست فناوری دریایی و ... ظرفیت سازی شود.

۱۵،۱۴. چالش های در مسیر توسعه سواحل مکران مشخص و برای راهنمایی پژوهشگران، سیاستمداران، قانون گذاران و تصمیم گیران محلی تا ملی. نقشه راهنما برای این منطقه از کشور در تمامی موضوعات تدوین شود.

۱۵،۱۵. به منظور هم افزایی و هم پوشانی در زمینه علوم و فنون دریایی. شبکه های دانشگاهی ساحلی ایجاد شود.

۱۵،۱۶. سعی کنیم احداث کتابخانه های عمومی، احداث آزمایشگاه ها جهت دانش آموزان و علاقه مندان را یک فعالیت جدی صد در صد ضروری تلقی کرده، مردم و مسئولان را تشویق کنیم که حداقل در کنار هر کتابخانه یک آزمایشگاه عمومی نیز احداث نمایند.

۱۵،۱۷. با توجه به بعد مسافت زیاد مناطق سواحل مکران با سایر نقاط کشور حتی مرکز استان، با ابزارهای انگیزشی زمینه حضور اساتید، معلمان مجرب، مدیران موفق و کارکنان، سرمایه داران در سایر نقاط کشور را به نحو مقتضی در این منطقه فراهم کنیم.

۱۵،۱۸. مراکز آموزشی در همه سطوح را تقویت کنیم تا آموزش های عملی با اهتمام بیشتر اجرا گردد و به معلمان مدارس کمک کنیم تا درس علوم را تنها همراه با آزمایش تدریس نمایند و درب آزمایشگاه ها را حتی بعد از تعطیل شدن مدارس به روی دانش آموزان علاقمند و خوش استعداد خود بگشاییم تا آنچه از علوم مطالعه می کنند همراه با عمل باشد زیرا بنای تحقیق در علوم همین اجرای آزمایش ها مندرج در کتب درسی از آسان به مشکل است.

۱۵،۱۹. با توسعه و تقویت مراکز آموزشی در همه سطوح حتی نظامی زمینه تبادل دانشجو و استاد با کشورهای همسایه فراهم گردد.

۱۵،۲۰. برای کسانی که در توسعه مراکز آموزشی و احداث و تجهیز آزمایشگاه ها و کتابخانه عمومی و اماکن دیگر آموزشی و فرهنگی، صنعتی و اقتصادی و... تلاش می کنند، ارج و اعتبار ویژه ای قابل شویم.

۱۵،۲۱. برای آن که بتوانیم جبران گذشته را کنیم، هیچ راهی نداریم، جز آنکه در نظام آموزشی یک انقلاب عملی در همه حوزه ها (برنامه و محتوا - فضا- تجهیزات- کادر آموزشی و ...) به وجود آوریم.

۱۶. مراجع

۱. سیاری حبیب الله، آل احمد، مهرداد، پروانه، ابوالفضل، نیروی دریایی (ارتش جمهوری اسلامی ایران)- نیروی راهبردی: مجموعه رهنمود ها و بیانات مقام معظم رهبری و فرماندهی معظم کل قوا در جمع فرماندهان و کارکنان نادجا، ص ۲۸۵-۲۹۳-۳۱۱، دفتر پژوهش های نظری و مطالعات راهبردی نادجا، ۱۳۹۰.
۲. سیاری حبیب الله، خانزادی، حسین، تنگه های راهبردی جهان، ص ۲۵، ۱۳۹۱
۳. مجموعه سخنرانی ها و مصاحبه های امیر فرماندهی محترم نادجا در سایت ارتش ج.ا.ا. <http://www.aja.ir> و نادجا.
۴. آل ابراهیم، ب، نقش ارکان مدرسه در گسترش فرهنگ و تحقق توسعه پایدار، اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان. ۱۳۸۰.
۵. توفیق، ع.ا. آموزش بزرگسالان به عنوان آموزشهای علمی- کاربردی و راهبردهای تحقق آن، فصلنامه آموزش بزرگسالان و نوآوری، موسسه بین المللی روشهای آموزش بزرگسالان، ص ۱۷، سال دوم شماره ۲ و ۳، بهار و تابستان ۱۳۷۶.
۶. آل ابراهیم، ب، نقش ارکان مدرسه در گسترش فرهنگ و تحقق توسعه پایدار، اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان، ص ۳۰، ۱۳۸۰.
۷. گروه مشاوران یونسکو، فرایند برنامه ریزی آموزشی، مترجم فریده مشایخ، انتشارات مدرسه، ص ۲۱، ۱۳۷۰.
۸. همان، ص ۱۵-۳۰.
۹. سرکار آرانی، م.ر، آموزش و پرورش و توسعه، فرهنگ توسعه ۱۵، دوره سوم، ص ۳، ۱۳۷۳.
۱۰. همان، ص ۷.
۱۱. آموزش و پرورش در جهان، خبرنگار دفتر همکاری های علمی بین المللی، شماره پیاپی ۴، ۱۳۷۶.
۱۲. شاوردی، ت، نقش آموزش و پرورش در توسعه، رشد معلم، سال دوازدهم شماره ۲، مسلسل ۹۵، آبان، ص ۱۰، ۷۳-۱۳۷۲.
۱۳. عمادزاده، م. مباحثی از اقتصاد آموزش و پرورش، اصفهان: جهاد دانشگاهی دانشگاه اصفهان، ص ۲۲۴، ۱۳۷۴.
۱۴. همان، ص ۶.
۱۵. همان، ص ۲.
۱۶. همان، ص ۲۴.
۱۷. ابیلی، خ، آموزش و بهسازی نیروی انسانی: یک ضرورت سازمانی، فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش، دوره پنجم شماره مسلسل ۱۷. دفتر بهبود مدیریت، معاونت برنامه ریزی نیروی انسانی، بهار ۱۳۷۷
۱۸. همان.
۱۹. محمدی، کاظم، سروش آسمانی: سیری در مفاهیم قرآنی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۲۳۴.
۲۰. مطهری، مرتضی، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، قم: انتشارات صدرا، (بی تا) ص ۲۰۶.
۲۱. محمد فرید وجدی، الاسلام فی عصر العلم، بیروت: دار الکتب العربی، ج ۳، {بی تا}، ص ۴۴۷.
۲۲. علامه طباطبایی، محمد حسین، قرآن در اسلام، طهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۱: ۱۳۷۳، ص ۹۳ و مطهری، مرتضی، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، ص ۲۰۶.
۲۳. قبادی پور، مرضیه، نقش آموزش و پرورش در توسعه ی همه جانبه کشور، www.iranika.ir، ۱۳۹۱.
۲۴. توسلی ع.غ، جامعیت مفهوم توسعه و رابطه آن با فرهنگ، فرهنگ توسعه، مسلسل ۳، شماره ۱۵، ص ۲۴-۲۳، آذر و دی ۱۳۷۳.
۲۵. آل ابراهیم، ب، نقش ارکان مدرسه در گسترش فرهنگ و تحقق توسعه پایدار، اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان. ۱۳۸۰.
۲۶. توسلی ع.غ، جامعیت مفهوم توسعه و رابطه آن با فرهنگ، فرهنگ توسعه، مسلسل ۳، شماره ۱۵، ص ۲۵، آذر و دی ۱۳۷۳.
۲۷. هلک، ژ، آموزش و پرورش: سرمایه گذاری برای آینده، مترجم عبدالحسین نفیسی، مدرسه، ص ۲۹، ۱۳۷۱.
۲۸. همان
۲۹. عابدتاش، ف، راهبردهای مشارکت بیشتر معلمان در برنامه های توسعه. اصفهان: اداره کل آموزش و پرورش اصفهان، ص ۱۳۷۹، ۱۲۰.
۳۰. نعیمی، وحیدرضا، فصلنامه آموزش عالی بین المللی، شماره ۴۷ آموزش و پژوهش، <http://hamshahrionline.ir>.
۳۱. سلیمی فر، مصطفی، مرتضوی، سعید، سرمایه انسانی در رویکرد فنی و حرفه ای، مجله دانش و توسعه (علمی-پژوهشی)، ش ۱۷، ۱۳۸۴.
۳۲. شریعتمداری، مهدی، ضرورت و نقش آموزش در بهسازی نیروی انسانی و توسعه در هزاره سوم، فصلنامه علمی خرد، ش-۹، دانشگاه آزاد واحد گرمسار، ۱۳۸۳، ص ۲-۵.
۳۳. قبادی پور، مرضیه، نقش آموزش و پرورش در توسعه ی همه جانبه کشور، www.iranika.ir، ۱۳۹۱.